

دوره یازدهم قانون گذاری

جلسه ۱۰

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بانضمام متن قوانین

سه شنبه ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۶

شماره مسلسل - ۸۰۳

چاپخانه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۶ *

فهرست مطالب

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱ - تصویب صورت مجلس | ۴ - شور و تصویب دو فقره مرخصی |
| ۲ - شور و تصویب لایحه اجازه فروش یک قسمت از جواهرات سلطنتی | ۵ - شور و تصویب لایحه عمران کشور |
| ۳ - شور و تصویب لایحه مالیات بر ارث و انتقالات بلاعوض | ۶ - موقع و مشور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس سه ساعت بعد از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس پنجشنبه ۲۰ آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *

دولت بود تأیید نموده و اینک گزارش آن برای تصویب تقدیم میشود.

ماده ۱ - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد آن قسمت از جواهرات سلطنتی را که طبق ماده (۳) این قانون بلا استفاده تشخیص داده شود بیانک مدنی انتقال داده و بانک آنرا جزء سرمایه خود منظور دارد.

ماده ۲ - تفکیک جواهرات از نقطه نظر اهمیت تاریخی توسط کمیسیونی بعمل خواهد آمد. کمیسیون مزبور در تحت ریاست رئیس دولت و عضویت دو نفر از وزراء و دو نفر از نمایندگان که برای این منظور از طرف مجلس شورای ملی انتخاب می گردند تشکیل خواهد شد.

[۱ - تصویب صورت مجلس]
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفتند - خیر)

صورت مجلس تصویب شد.

[۲ - شور و تصویب لایحه اجازه فروش یک قسمت از جواهرات سلطنتی]

رئیس - شور دوم گزارش کمیسیون قوانین مالیه راجع بفروش جواهرات سلطنتی:

کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۳۳۶۶۸ دولت راجع با اجازه فروش قسمتی از جواهرات سلطنتی را با حضور آقای وزیر مالیه برای شور دوم تحت مطالعه قرار داده چون در موقع شور اول پیشنهادی از طرف آقایان نمایندگان نرسیده بود لذا کمیسیون گزارش اولیه کمیسیون قوانین مالیه را که مبنی بر موافقت با عین مواد پیشنهادی

* عین مذاکرات مشروح چهاردهمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه پنجشنبه ۲۰ آبان که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : اقبال - عباس مسعودی

غائبین بی اجازه - آقایان : خواجهوی - عراقی - جرجانی - ملک مدنی - تولیت - امیر ابراهیمی - انجمنی - مرآت اسفندیاری

دکتر تاش - دکتور ادهم - اعظم زنگنه - بیات ماکو - شهدوست - علوی

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : موفر - ناهید - بیات - مکرم افشار - جهانشاهی - اوحدی - ناصری - نیک پور - وکیلی - قراگزلو

ماده ۳ - هر موقع که بانک ملی فروش هر قسمت از جواهرات را مناسب و مقتضی بداند قبلاً جواهرات مزبور تحت نظر کمیسیونی مرکب از پنج نفر که سه نفر آن از طرف دولت و دو نفر از طرف مجلس شورای ملی انتخاب می گردند ارزیابی شده و ترتیب فروش آن داده شود . بهای حاصل از فروش منحصرأ بمصرف خرید شمش طلا خواهد رسید .

رئیس - ماده اول قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد آن قسمت از جواهرات سلطنتی را که طبق ماده ۲ این قانون بلااستفاده تشخیص داده شود ببانک ملی انتقال داده و بانک آنرا جزء سرمایه خود منظور دارد .

رئیس - موافقین با ماده اول قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم

ماده دوم - تفکیک جواهرات از نقطه نظر اهمیت تاریخ توسط کمیسیونی بعمل خواهد آمد کمیسیون مزبور در تحت ریاست رئیس دولت و عضویت دو نفر از وزراء و دو نفر از نمایندگان که برای این منظور از طرف مجلس شورای ملی انتخاب میگردند تشکیل خواهد شد .

رئیس - موافقین با ماده دوم قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده سوم قرائت میشود

ماده سوم - هر موقع که بانک ملی فروش هر قسمت از

جواهرات را مناسب و مقتضی بداند باید قبلاً جواهرات مزبور تحت نظر کمیسیونی مرکب از پنج نفر که سه نفر آن از طرف دولت و دو نفر از طرف مجلس شورای ملی انتخاب میگردند ارزیابی شده و ترتیب فروش آن داده شود . بهای حاصل از فروش منحصرأ بمصرف خرید شمش طلا خواهد رسید .

رئیس - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . شوردر کلیاتست . مخالفی نیست

رای گرفته میشود باورقه آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد

(اخذ اراء بعمل آمده ۹۹ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رای ۱۱۰ با ۹۹

رای تصویب شد *

[۳ - شور و تصویب لایحه مالیات بر ارث و انتقالات بلاعوض]

رئیس - شور دوم گزارش کمیسیون قوانین مالیه راجع بمالیات ارث مطرح است

(شرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون قوانین مالیه با حضور آقای وزیر مالیه و جمعی از آقایان نمایندگان لایحه نمره ۳۰۹۱۶ دولت راجع به مالیات بر ارث را برای شور ثانی مطرح نموده و بادر نظر گرفتن پیشنهادهای آقایان نمایندگان که درموقع شور اول داده بودند بالاخره مواد زیر تنظیم و اینک گزارش آن برای تصویب تقدیم میشود

- * اسامی رای دهندگان - آقایان : مشار - موقر - دکتر تاج بخش - افندی - خلایق - جوادشجاع - خواجه نوری - نوبخت محمد طباطبائی - شاهنک - ایردی - نازی - فراقی - مکرم انشار - اورنگ - افشار - ایرگانی - مرتضی امین - معدل - ذوالقدر - آزادی - خلیل حریری - کاظم جلیلی - ابوالفضل تولیت - طباطبائی نائینی - دکتر طاهری - دکتر اسمعیل سنگ - دکتر عطاء الله سیمی محمدحسین منتصم سنگ - هدایت الله یالیزی - محسن مهدوی - اعتصامزاده - اعتبار - گودرزی - لاریجانی - دهستانی - محیط - مؤید قوامی عبدالله ناهید - بیات - صفوی - میرزائی - امیر ابراهیمی - کارروبان - منصف - حریری طلوع - مسعودی خراسانی - رضوی - روحی - نوابزادی - ملک زاده - موسی رات - هدایت - فخر طباطبائی - فاطمی - داور - اوحدی - نیرومند - ملایری - مختار مشیردوانی - مولوی دولتشاهی - عطاء الله یالیزی - فتوحی - بوداغبان - یارسا - ملکزاده آملی - رفیعی - محمدتقی اسفندیاری - آصف - نقابت - صفاری - طالش مزدهی - دکتر ضیاء - مجدضیائی - فرشی - ساگیتیان - دکتر قاسم اهری - سلطانی - معتمدی - هراز - قزل ایغ - پناهی - اردبیلی ابراهیمی ریگی - زوار - محمدتقی شیرازی - جعفر اسفغانی - دکتر نهورای - کاشف - ابراهیم سیمی - دکتر غنی - مؤید نائینی - زهری حیدری - عزیزی

رئیس - لایحه بنظر آقایان رسیده است و طبع هم شده است مفصل هم هست وارد شور مواد می شویم . ماده اول قانون مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض

فصل اول - ارث

ماده اول - هرگاه در نتیجه فوت شخص اعم از فوت حقیقی یا فوت فرضی اموالی ارثاً بکسی برسد طبق مقررات ذیل مالیات گرفته خواهد شد

رئیس - موافقین باماده اول قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم

ماده دوم - اموال مشمول مالیات ارث عبارت است از کلیه ماترک متوفی اعم از منقول یا غیر منقول و مطالبات وصولی پس از وضع بدهی های محققه متوفی و هزینه هائی که در حدود عرف و عادت برای کفن و دفن متوفی و نظایر آن لازمست

تبصره ۱ - مقصود از بدهیهای محققه بدهی هائی است که طبق مدارک قانونی قابل پرداخت باشد

تبصره ۲ - اگر متوفی تاجر باشد در صورتی میتوانند بدهی های او را از ماترک کسر کنند که بدهیهای مزبور در دفاتر تجاری متوفی ثبت شده باشد .

تبصره ۳ - بدهی که متوفی بوراث خود دارد ولو آنکه مستند بمدارک قانونی هم باشد برای تعیین مالیات از ماترک کسر نخواهد شد . باستثنای نفقه ایام معدوده و مهریه و زوجه در صورتیکه پرداخته نشده باشد

رئیس - موافقین با ماده دوم قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم

ماده سوم - مکلفین پرداخت مالیات نام برده در ماده اول وراث متوفی هستند وراث از نظر این قانون به سه طبقه تقسیم میشوند .

۱ - وراث درجه اول

۲ - » دوم

۳ - » سوم و بالاتر

رئیس - آقای حیدری (اجازه) حیدری - اینجا می نویسد وراث از نظر این قانون به سه طبقه تقسیم می شوند بعد زیر آن می نویسد درجه خوبست درذیل هم بنام طبقه اسم برده شود و نوشته شود وراث طبقه اول الی آخر

مخبر این در عمل یکی است ولی تصور می رود که بین طبقه و درجه يك تفاوتی هم هست در اینجا صحبت از طبقه بندی نیست . درجائی است که در ارث هست

رئیس - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم

ماده چهارم - وراث طبقه اول عبارتند از پدر و مادر و اولاد و نواده و زوج و زوجه

وراث طبقه دوم عبارتند از اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها

وراث طبقه سوم عبارتند از عم و عمه و دائی و خاله و اولاد آنها و بالاتر

رئیس - آقای حیدری (اجازه)

حیدری - اینجا می نویسد وراث طبقه اول عبارتند از پدر و مادر و اولاد و نواده و زوج و زوجه اینجا نواده نواده دختری را هم شامل میشود خوبست نوشته شود نواده پسری که شامل نواده دختری نشود

مخبر - عرض میکنم موضوع طبقات اساساً ترتیبی خاص دارد که معلوم میکند که وراث طبقه اول چه اشخاصی می توانند باشند همینطور طبقه دوم و سوم اینها در قانون پیش بینی شده دیگر محتاج نیست که مادر اینجا ذکر کنیم و لزومی ندارد .

رئیس - آقای اعتصام زاده پیشنهادی کرده اند پیشنهاد میکنم اول ماده ۴ بطریق ذیل تغییر یابد

ماده ۴ - وراث طبقه اول عبارتند از پدر و مادر و زن و شوهر و فرزندان و نواده

رئیس - آقای اعتصام زاده

اعتماد زاده - از نظر فقهی بودن عبارت بنده این
 پیشنهاد را کذب می دانم. اما از نظر فقهی عبارت بنده این
 صحیح است. **رئیس** - قبول می کنم.
وزیر مالیه - بنده هم قبول می کنم.
رئیس - رأی گرفته میشود ببلده. آقایان موافقین قلم
 فرمایند. (اکثر برخواستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۵.
 ماده ۵ - هر يك از ورثه قانونی متوفی باید در ظرف
 دو ماه از تاریخ اطلاع از فوت مورث خود اظهار نامه که
 حاوی صورت کلیه دارائی متوفی و مطالبات و بدهی های
 او باشد یا مدارك لازم برای اثبات آنها با داره مالیه صلاحیت
 دار تسلیم نماید و ضمناً قیمت تخمینی مابترك را در آن
 تبصره - قیمت اثاثیه خانه مسكونی متوفی اعم از اینکه
 خانه ملكی یا اجاری باشد مقطوعاً از قراره در حد قیمت
 خانه تعیین خواهد شد.

رئیس - آقای رضوی.
رضوی - در ظرف دو ماه اولی که در این ماده قید شده
 اینست هنوز در این قانونی متوفی معلوم نیستند از این جهت خواستم
 تعیین کنم اگر وزیر محترم مالیه موافقت فرمایند خدمتشان هم
 عرض شده که این قسمت را تبدیل کنیم باین جمله: اشخاصی
 که خود را وارث متوفی میدانند آخر این است که پیشنهاد
 تقدیم مالیه که اصلاح شود.

وزیر مالیه - بنده موافقت می کنم.
رئیس - آقای در کتی جوان.
دکتر جوان - در ماده ۵ چون نظر قانون برای اخذ
 مالیات از وی جهت الارث است نه کلیه ما تراك بلکه از برای
 سهم الارث این مقیداری را که اجازه داده است گرفته شود
 لاین است که قید کلمه مابترك کافی نیست بلکه بنده خواستم
 عرض کنم اگر تصویب فرمایند موقعی که اظهار نامه داده
 میشود در ماده بعد از عبارت «در ظرف دو ماه از تاریخ

اطلاع از فوت مورث خود اظهار نامه حاوی صورت کلیه
 دارائی متوفی و مطالبات و بدهی های او باشد» علاوه شود
 که میزان سهم الارث را هم در آنجا تعیین کند که يك ششم
 یا يك چهارم است یا چقدر است در هر حال میزانش معلوم
 باشد چون اینجا هر يك از ورثه را مكلف کرده است اگر
 کلمه بود عیب نداشت ولی چون نظر سهم الارث است بهتر
 این است که میزانش قید شود.

وزیر مالیه - در این موقع چون ممکن است اختلافاتی
 تولید شود و در این مدت نتوانند مقدار حقیقی سهم الارث را
 صورتش را تهیه و تسلیم نمایند بنابراین اگر مابترك بنویسیم
 بهتر است و مطلب را هم می رساند.
رئیس - موافقین با ماده پنجم با اصلاحی که شد و آقای
 وزیر مالیه قبول فرمودند قلم فرمایند
 (اغلب قلم نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم.
 ماده ششم - اداره مالیه اظهار نامه را از نظر تعیین صحت
 اقلام دارائی و یا مطالبات و یا بدهی ها و یا ارزش اموال
 مورد رسیدگی قرار داده و هر گاه تمام یا قسمتی از آنرا
 صحیح نداند نظر خود را با ذکر دلایل کتباً مودی ابلاغ
 و اخطار مینماید که اگر واخواهی دارد در ظرف یکماه
 از تاریخ ابلاغ واخواهی خود را با ذکر ادله مستقیماً یا
 بوسیله پست بهفارشی و با تلگراف با دازه مالیه تسلیم نماید
 و در صورت تسلیم صریح مودی به تشخیص مالیه یا ندادن
 و واخواهی در ظرف مدت مقرر نظر مالیه قطعی شده و طبق
 آن مالیات قانونی وصول خواهد شد مگر آنکه معلوم شود
 در محاسبه اشتباه شده است.

رئیس - موافقین با ماده ششم قلم فرمایند
 (اغلب قلم نمودند)
رئیس - تصویب شد. ماده هفتم.
 ماده ۷ - چنانچه مودی به تشخیص مالیه تسلیم نشود
 و در ظرف مدت مقرر و واخواهی دهد و پس از دادن
 واخواهی موافقتی بین مودی و مالیه حاصل نگردد و واخواهی
 بکمیسیون تشخیص مالیات بر در آمد ارجاع خواهد شد

کمیسیون پس از تحقیقات لازم رسیده کمیسیون
 رأی خواهد داد.
 رأی کمیسیون پس از ابلاغ بطرفین قطعی و لازم الاجراست
 مگر در مواردیکه مابه الاختلاف بین مالیات تشخیص شده
 از طرف کمیسیون و مبلغی که مورد تصدیق مودی یا مطالبه
 مالیه است بیش از پنجاهزار ریال باشد که در این صورت
 طرفین میتوانند در ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ رأی کمیسیون
 به محکمه تجدید نظر دیوان محاکمات مالیات مراجعه
 نمایند.

هر گاه مراجعه به محاکمات مزبور از طرف مودی به
 عمل آید مشافرتی ببلده قبلاً و مابه الاختلاف را در صندوق
 مالیه بسپارد و یا ضامن معتبر بدهد.
رئیس - موافقین با ماده هفتم قلم فرمایند
 (اکثر برخواستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم.
 ماده ۸ - اگر ورثه در ظرف مدت مقرر در ماده ۵
 از اداره اظهار نامه خودداری نمایند مالیات بر اساس طرف
 مالیه طبق تحقیقاتی که به عمل خواهد آمد تعیین و مودی
 ابلاغ میشود.
 اگر مودی در ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ تشخیص
 مالیات و واخواهی نداد مالیات تشخیص شده قطعی و وصول
 خواهد شد.

در صورت دادن واخواهی طبق ماده ۷ عمل میشود.
رئیس - آقای نقابت

نقابت - عرض بنده این است که اگر موافقت فرمایند
 قبل از کلمه وصول خواهد شد جمله (و از اموال متوفی) اضافه
 شود برای اینکه ورثه مسئول پرداخت شده اند. ممکن است
 ورثه مال متوفی را بدست نیآورده باشند چون باید
 تصدیق انحصار وراثت بگذرانند تا بتوانند فلان ملک مورثی را
 بگیرند معذلك ممکن است باغشان از مال خود ورثه بتوانند
 بگیرند در صورتیکه این حق متعلق است به اموال متروکه
 متوفی

مغیر (اعتبار) - عرض میکنم در این قسمت نظردولت
 نیست که این عمل را بگذراند از مالیه که مال متوفی است و
 هنوز معلوم نیست که مال کی است و ورثه کی است از آن
 محل توقیف کنند در این جا مخصوصاً پیش بینی شده است
 که اگر ورثه عذر موجهی داشته باشند مدت تعدید
 می شود و این یکی از آن قسمت ها است که ممکن است
 اگر به آن مرحله برخوردند تعدید بکنند تا وقتی که ورثه
 قانونی تعیین و سهم الارث هر يك معلوم شود.

رئیس - آقای نقابت
نقابت - بنده عرض را تکرار میکنم گویا درست توضیح
 نداده باشم در ماده ۸ ذکر شده است که اگر ورثه در ظرف
 مدت مقرر در ماده ۵ (این را ملاحظه فرمائید) از تاریخ
 اطلاع از فوت مورث خود اظهار نامه ندهند و حساب خودشان
 را تصفیه نکنند این جامدت سه ماهه مدت قانونی برای گرفتن مالیات
 تعیین شده است در صورتیکه برای ورثه گرفتن تصدیق
 وراثت لازم است و این سه ماهه باید در جرائد اعلان شود
 یکماه هم از وقت های دیگر دارد از قبیل تهیه عراض حال و
 اقامه شامه در محکمه و اعلان و اینها تا محکمه رأی خودش
 را بدهد تقریباً چهار پنجاه معطلی دارد کافی اتفاق می افتد
 که متوفی صغیری دارد بلا فاصله باز که اقدام میکنند و
 اموال را توقیف میکنند تا نصب قیم شود کافی قیم استعفاء
 میدهد تا قیم جدید پیدا شود این است که يك معطلی های
 قانونی در بین هست که اینها همه عذر موجه است -
 چه عیب دارد که ما در قانون ذکر کنیم چنانچه در قانون
 اصول محاکمات موارد عذر موجه را برای کسیکه احتضار
 شده است در محکمه ذکر کرده است که عبارت است از
 فوت یکی از کسانش تا درجه سوم یا فرس مازور یا سیل
 یا زلزله یا یکی از اینها در مورد عذر موجه ذکر
 شده است و اگر ما یکی از اینها را ذکر نکنیم که ملاکی
 باشد اشخاصی که عذر موجهی دارند بهضیقه واقع میشوند
 چون ممکن است یکی عذر موجه را تشخیص بدهد دیگر

تشخیص ندهد پس بهتر این است که یکی از اینها ذکر شود که مالاک در دست باشد و نوشته بشود که از اموال متوفی وصول خواهد شد چون این حق تعلق گرفته است باموال متوفی و از ماترك باید گرفته شود نمیشود که خودش بیاید این پول را بدهد بعد برود از آن محل وصول کند این که نمیشود پولی است توی بانك وقتی که سهم او رسید آنوقت باید بدهد پس باید نوشته شود از ماترك و اینطور که نوشته شده است مطلب را نمی رساند و اسباب زحمت میشود

وزیر مالیه - عرض می کنم يك سوء تفاهمی شده است برای آقای نماینده محترم راجع باینکه دادن اظهار نامه را بپرداخت مالیات غلط کرده اند در اینجا نوشته شده است که اظهار نامه را باید در این مدت بدهد و اگر نداد دولت خودش تحقیقاتی می کند مالیه تحقیقاتی می کند ماترك را تعیین میکند و اگر بعد از آن و خواهی نداد قطعی می شود ولی این مرحله دیگری دارد و شش ماه بعد از آن است که اظهار نامه قطعی می شود و بعد از آن هم اگر عذر موجهی داشت باز تمدید میشود والا همینقدر که اظهار نامه نداد و دولت هم تحقیق کرد و معین کرد و او هم اعتراض داد بانداد فوری بروند وصول کنند اینطور نیست این قطعی شدن مربوط به دادن اظهار نامه است که تشریفاتش بعمل آمده باشد و مربوط به ماترك است و راجع به پرداخت شش ماه است چنانچه عذر موجه باشد باز ممکن است تمدید داده شود

رئیس - موافقین با ماده هشتم قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد ماده نهم قرائت میشود

ماده ۹ - مالیات نسبت بسهم الارث هر يك از وراث گرفته خواهد شد اگر سهم الارث هر يك از وراث ۲۵ هزار ریال یا کمتر باشد از پرداخت مالیات معاف و در صورت تجاوز از این مبلغ طبق نرخ های ذیل مالیات اخذ خواهد شد

الف - طبقه اول - از ۲۵ هزار و یکریال تا ۷۵۰۰۰ ریال يك درصد نسبت بمازاد بیست و پنجهزار ریال
از ۷۵۰۰۰ ریال تا ۱۵۰۰۰۰ ریال دو درصد نسبت بمازاد هفتاد و پنجهزار ریال

از ۱۵۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال سه درصد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال چهار درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلا پنج درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال

ب - طبقه دوم - از ۲۵ هزار و یکریال تا ۷۵۰۰۰ ریال دو درصد نسبت بمازاد بیست و پنجهزار ریال

از ۷۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال چهار درصد نسبت بمازاد هفتاد و پنجهزار ریال

از ۱۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال شش درصد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال هشت درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلا ده درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال

ج - طبقه سوم و بالاتر - از ۲۵ هزار و یکریال تا ۷۵۰۰۰ ریال سه درصد نسبت بمازاد بیست و پنج هزار ریال

از ۷۵۰۰۰ ریال تا ۱۵۰۰۰۰ ریال شش درصد نسبت بمازاد هفتاد و پنجهزار ریال

از ۱۵۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال نه درصد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال دوازده درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلا پانزده درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال

رئیس - موافقین با ماده نهم قیام فرمایند (اغلب بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۰ - اداره مالیه صلاحیت دار برای اخذ مالیات ارث مالیه ایست که اقامتگاه قانونی متوفی در حوزه آن باشد و

اگر متوفی در ایران مقیم نباشد اداره مالیه صلاحیت دار مالیه ایست که قسمت اعظم دارائی غیر منقول متوفی در حوزه آن واقع شده اگر متوفی در ایران مقیم نبوده و اموال غیر منقول در ایران نداشته باشد مالیات در طهران پرداخت خواهد شد

رئیس - موافقین با ماده دهم قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده یازدهم قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - هر کس در ایران اقامتگاه قانونی دارد و ارثی باو برسد اعم از اینکه ماترك در داخله یا خارجه باشد و هر کس که از ماتركی که در ایران است ارث ببرد اعم از اینکه ساکن ایران یا ساکن خارجه باشد مطابق این قانون مالیات بده است

رئیس - موافقین با ماده یازدهم قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد - ماده دوازدهم قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ - کلیه مأمورین دولتی و شهرداری که امور مربوط باموات را عهده دار هستند در ظرف یک هفته پس از فوت و وراث قانونی در ظرف پانزده روز موظفند هویت کامل متوفی را بمالیه محل وقوع فوت اطلاع دهند

مخیر - اینجا يك کلمه افتاده است. در ظرف پانزده روز پس از اطلاع از فوت موظفند الی آخر و کلمه قانونی هم بعد از وراث حذف میشود

مؤید احمدی - ماده این طور میشود: کلیه مأمورین دولتی و شهرداری که امور مربوط باموات را عهده دار هستند در ظرف يك هفته پس از اطلاع از فوت و وراث در ظرف پانزده روز پس از اطلاع از فوت موظفند هویت کامل متوفی را بمالیه محل وقوع فوت اطلاع دهند

رئیس - آقای دکتر جوان
دکتر جوان - اینجا مجبور کرده است قانون تمام وراث

را که اطلاع بدهند و اکثرأ ما می بینیم که وقتی که يك کسی فوت میکند اگر همان درجه اول و دوم را در نظر بگیریم یک نفر متوفی چند وارث دارد حال اگر یکی از اینها اطلاع داد تصور میکنم تکلیف از دیگران ساقط باشد اینجا همه وارث را ملزم کرده است که در ظرف این مدت اطلاع بدهند خوب حالا اگر در ظرف این مدت یکی از وراث هم اطلاع داد رفع تکلیف از سایرین نیز میکند تصور میکنم اینطور بشود بهتر است از اینکه ده نفر پانزده نفر همه بروند اطلاع بدهند

وزیر مالیه - عرض میکنم که غده مثلاً چهار پنج نفر وارث هستند قانون کدام يك از اینها را مکلف کند که بیاید خبر بدهند بنا بر این بهتر است که بطور جمع در قانون باشد. البته بدیهی است وقتی که یک نفر هم اطلاع داد اسقاط تکلیف از سایرین نیز میکند ولی باید قانون يك طوری باشد که در موقع اجرا اسباب زحمت نشود

رئیس - در واقع نحوه واجب کفائی است وقتی که یک نفر از وراث اطلاع داد از دیگران ساقط می شود (صحیح است) آقایانی که باماده ۱۲ موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود

ماده ۱۳ - ادارات ثبت اسناد و املاک موقعی که مال غیر منقولی را از اسم مورث باسم وارث ثبت مینمایند و همچنین کلیه دفاتر اسناد رسمی در موقعی که می خواهند تقسیمنامه راجع بماترك را ثبت کنند باید مطالبه گواهی نامه اداره مالیه صلاحیت دار را راجع باینکه وارث اظهار نامه داده است و در اظهار نامه مال مورد تقاضای ثبت یا مذکور در تقسیمنامه را ذکر کرده بنمایند و قبل از ارائه این گواهی مجاز ثبت نیستند

تبصره - اداره مالیه مکلف است در ظرف ده روز پس از تسلیم اظهار نامه از طرف مؤدی گواهی نامه متضمن رونوشت مصدق صورت ریز ماتركی را که در اظهار نامه نوشته شده بمؤدی بدهد

رئیس - آقای وکیل

مخبر - وکیل - اگر چه چند روز قبل آقای وزیر مالیه و آقای اعتبارا در جواب یکی از آقایان اظهار فرمودند که در ماده آخر این قانون می نویسند این قانون بلافاصله بعد از تصویب اجرا میشود ولی باز بقیده بنده ابهام دارد. همان طوری که در کمیسیون هم مفصل خدمتشان توضیح دادیم عرض کردیم که این قانون برای طهران تنها نیست و چون می نویسند این قانون بلافاصله اجرا میشود ولی چه جور حالا ملاحظه فرمائید مثلاً یک نفر چهار سال است مرده و هنوز تکلیفش معین نشده است می خواستم آقای وزیر در مجلس هم توضیح فرمائید که کسی که چهار سال قبل مرده ولی تکلیفش معین نشده مشمول این قانون نخواهد شد و این مالیات باو تعلق نخواهد گرفت (صحیح است)

مخبر - همانطور که آقای وزیر مالیه در جلسه قبل توضیح فرمودند بنظر بنده این مطلب بدیهی است زیرا می نویسند این قانون بلافاصله بعد از تصویب اجرا خواهد شد و البته وقتی که یک قانونی در آن موقع بنویسد مقرراتی هم بنویسد قانون هم عطفه بمسابق نمیشود و از امروز اجرا میشود حالا اگر مثلاً چهار سال قبل یکی از کسان من فوت کرده مربوط با امروز نیست

وکیل - حالا به بنیم آقای وزیر مالیه هم بیان حضرتعالی را تصدیق میفرمائید یا خیر؟

(خنده نمایندگان)

وزیر مالیه - توضیحی که آقای مخبر دادند مطلب همین است که فرمودند و اصلاً بنده محتاج به توضیح نمیدانم برای اینکه در ماده آخر می نویسند (بلافاصله پس از تصویب اجرا میشود) بنا بر این مالی که از مالیات گرفته میشود مالی است که بعد از اجرای این قانون یعنی بعد از تصویب این قانون باشد

رئیس - آقایان موافقین با ماده سیزدهم قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده چهاردهم قرائت میشود

ماده ۲۴ - کلیه بانکها و مؤسسات و اشخاص دیگر که ملکی از متوفی در نزد خود دارند در صورتی میتوانند مال مریوز را بپوراک بدهند و همچنین گنجینه شرکتهای و مؤسسات موقع ثبت اوراق بهادار اشمنی از هر قبیل که باشد از اسم مورث باسم وارث در صورتی مجاز باین امر هستند که گواهی نامه اداره مالیه صلاحیت داد راجع بانفسه وارث اظهار نامه داده و در اظهار نامه مال مورد بحث را ذکر کرده ارائه شود در صورت تعلق علاوه بر جرائم مقرر متضامناً با خود وارث مسئول مالیات متعلقه میباشند

رئیس - مخالفی ندارد؟
(گفتند خیر)
رئیس - رأی گرفته میشود بماده چهاردهم آقایان موافقین قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پانزدهم قرائت میشود.
(بمضمون ذیل خوانده شد)
ماده ۲۵ - کلیه محاکم عدلیه که قانوناً بتقاضای انحصار وراثت رسیدگی مینمایند در صورتی مبادرت به تسلیم گواهی نامه انحصار وراثت خواهند کرد که گواهی نامه مذکور در ماده ۲۳ از طرف وراثت یا یکی از آنها به محکمه تقدیم شود رو نوشت حکمی که راجع به انحصار وراثت صادر میشود از طرف دفتر محکمه با اداره مالیه محتل فرستاده خواهد شد

تبصره - در مواردی که طبق کتاب پنجم جلد دوم قانون مدنی حکم فوت فرضی صادر میشود نیز دفتر محکمه باید رو نوشت حکم را به اداره مالیه محتل بفرستد

رئیس - آقای طباطبائی (اجازه)
طباطبائی - عرض کنم در سطر دوم می نویسند (گواهی نامه) در سطر چهارم می نویسند (محکم) حکم غیر از گواهی نامه است پس در سطر چهارم هم که می نویسند (رونوشت حکمی که راجع بانحصار وراثت صادر میشود) در اینجا هم باید گواهی نامه نوشته شود در اینجا هم مقصود

همان گواهی نامه است نه حکم و حکم غیر از گواهی نامه است بنده در کمیسیون هم عرض کردم آنچه حکم صادر می شود گواهی نامه است مستدعی انحصار وراثت وقتی که استدعای گواهی نامه انحصار وراثت کرد وقتی که مدت قانونی آن طی شد بدون محاکمه گواهی نامه صادر می شود ولی اگر اختلاف شد و رفت در محکمه و محکمه هم حکم صادر کرد آنوقت گفته میشود حکم انحصار وراثت بنا بر این حکم در اینجا مورد ندارد

مخبر - این قسمت را آقای طباطبائی در کمیسیون فرمودند این منظور دو تاست گواهی نامه و حکم گواهی نامه وقتی است که محتاج برفتن بمحکمه و صدور حکم نشود این گواهی نامه بهش گفته میشود ولی اگر این مراحل را طی کرد و ضمناً معترض پیدا شد و رفت به محکمه و بالاخره محکمه رای داد این دیگر گواهی نامه نیست این رویش حکم صادر میشود

طباطبائی - گواهی نامه اعم است
مخبر - و بالاخره اگر ما بخواهیم اسم گواهی نامه تنها بنویسیم نمیشود زیرا چنانچه عرض کردم اگر اختلاف شد و اعتراض شد و در نتیجه حکم صادر شد این را نمی شود اسمش را گواهی نامه گذاشت و بالاخره وزارت مالیه می خواهد بداند آخرین وضعیتی را که يك دارائی پیدا میکند چه چیز است بنا بر این اشکالی ندارد و خوبست آقا هم موافقت فرمائید که همینطور باشد رو نوشت گواهی نامه یا حکمی که راجع بانحصار وراثت صادر میشود

مؤید احمدی - رو نوشت گواهی نامه یا حکمی که راجع بانحصار وراثت است
رئیس - رای می گیریم بماده پانزدهم آقایان موافقین قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده شانزدهم:
فصل دوم - در نقل و انتقالات بلاعوض
ماده ۱۶ - اگر مالی اعم از منقول یا غیر منقول بلاعوض

بشخصی داده شود بدون رعایت حد اقل معاوضه طبق نرخهای ماده (۹) این قانون مالیات تعلق میگیرد دهند و گیرنده متضامناً مسئول پرداخت مالیات متعلقه میباشند

جهیزیه و وجوه و اموالی که برای امور خیریه و یا عام المنفعه از قبیل بیمارستان و کود کستان و پرورشگاه یتیمان و نظایر آن داده می شود از پرداخت مالیات معاف خواهد بود

تبصره - صلح عباتی با شرط خیابار فسخ برای مصالح از نظر این قانون در حکم صلح قطعی است
رئیس - پیشنهادی آقای اعتصام زاده نموده اند قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۱۶ بقرار ذیل اصلاح شود

ماده ۱۶ - بهر مالی اعم از منقول یا غیر منقول که بلا عوض بشخصی داده می شود مطابق نرخهای ماده ۹ قمره الف مالیات تعلق میگیرد از انتقالات کمتر از حد اقل مذکور در ماده ۹ صدی نیم مالیات اخذ خواهد شد دهنده و گیرنده متضامناً مسئول پرداخت مالیات متعلقه میباشند

رئیس - آقای اعتصام زاده
اعتصام زاده - عرض کنم این ماده روشن نیست اینجا نوشته است مطابق نرخهای ماده ۹ این قانون مالیات اخذ خواهد شد نرخهای ماده نه بر سه رقم است طبقه اول و طبقه دوم و طبقه سوم این مالیات مطابق طبقه اول گرفته خواهد شد یا دوم یا سوم معلوم نیست ثانیاً حد اقل مالیات را قائل نشده اند و معلوم نیست که از بیست و پنج هزار رال به پائین مالیات خواهند داد یا نه؟ این بود که بنده پیشنهاد کردم که مطابق قمره الف ماده ۹ مالیات گرفته شود

وزیر مالیه - اشتباهی در طبع شده است اصلاً طبق نرخ بند ج از ماده ۹ معین شده این است و معاوضه هم درش نیست انتقال بلا عوض است این امری نیست دیگر همینطور که در ماده ۱۷ هم نوشته شده است طبق نرخ بند ج ماده ۹ وحد نصاب هم ندارد از هر مبلغی که انتقال بلاعوض شد مالیات

این خواهد شد عبارت اینطور میشود طبق نرخ بند ج از ماده ۹

مویدا احمدی - بله طبق نرخ بند ج از ماده ۹ آقای اعتصام زاده پیشنهادتان را مسترد میدارید
اعتصام زاده - مسترد میدارم
رئیس - موافقین با ماده ۱۶ با اصلاحی که شد قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفدهم قرائت میشود:
(اینطور خوانده شد)

ماده ۱۷ - هر مالی که مورد وقف یا نذر یا حبس یا وصیت واقع شود مشمول مالیات است باستثنای مواردی که برای امور عام المنفعه نام برده در ماده قبل باشد و نرخ مالیات در این قبیل موارد طبق نرخ بند ج ماده ۹ این قانون خواهد بود.

تبصره - مال مورد وصیت در موقعی مشمول مالیات خواهد بود که با فوت موصی وصیت قطعی شده باشد.

رئیس - پیشنهاد آقای حیدری قرائت میشود بنده اصلاح ماده ۱۷ را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم:
ماده ۱۷ - هر مالی که مورد وقف یا نذر منجز یا وصیت واقع شود مشمول مالیات است الی آخره

رئیس - آقای حیدری (اجازه)

حیدری - چون این قانون راجع به تکثیر عایدات دولت است و همه مسرور هستیم و کافلاً هم موافق هستیم برای اینکه این مالیاتی را که میگیرند بنده میدانم که دولت یا صرف پل میکند یا صرف دبستان یا صرف سایر امور خیریه ولی اولاد من ممکن است این را صرف نواهی بکنند. در این ماده ۱۷ بنده خواستم یک چیزی عرض کنم نذر بین ما دو جور است یکی منجز است که در درجه اول و یکی هم غیر منجز است یعنی مؤجل اما نذر منجز این است که من ده تومان مال خودم را نذر یک زیدی میکنم زید فوراً صاحب مال میشود و البته باید مالیات بدهد بنابر این بنده این پیشنهاد را کردم که این قسمت اضافه شود.

مخبر - عرض کنم که این موضوعی را که آقای حیدری فرمودند در کمیسیون هم مورد بحث شد و بالاخره آقایان هم تشریف آوردند و در اطراف این قسمت هم توضیحات دادند و شقوق مختلفه را در نظر گرفتیم و در اطراف آن مذاکرات زیادی شد و اصلح بنظر همین آمد که نوشتیم دادیم و دیدیم اگر وارد جزئیات بنویسیم مشکلات بیشتری ایجاد خواهد کرد باین جهت وارد آن کیفیات نشدیم زیرا برای تشخیص منجز و غیر منجز هم ممکن بود یک زحمتی فراهم شود و اساساً وقتی يك کسی وقف میکند یا مالی را حبس میکند يك مصالحی را در نظر میگیرد که اینکار را میکند حالا منجز باشد یا غیر منجز فرقی نمیکند البته در نظر اوبیک مرجعاتی پیدا میشود که اینکار را میکند خوب همانموقع هم باید مالیاتش را بپردازد.

رئیس - آقای حیدری پیشنهادتان را مسترد میدارید
حیدری - بنده پس میگیرم

رئیس - موافقین با ماده ۱۷ قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۸ قرائت میشود
(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۸ - در مورد صلح طرفین معامله متضامناً و در مورد وقف واقف و در مورد وصیت وصی و در مورد حبس و نذر حبس و نذرکننده مسئول پرداخت مالیات هستند.

در مورد صلح و وقف و حبس و نذر در ظرف دو ماه از تاریخ وقوع و در مورد وصیت در ظرف دو ماه پس از اطلاع از فوت موصی مکلفین باید اظهار نامه که حاوی کلیه اطلاعات لازمه برای وصول مالیات باشد به اداره مالیه تسلیم نمایند

اگر در ظرف مدت مقرر اظهارنامه داده نشود مالیات رأساً از طرف مالیه طبق تحقیقاتی که به عمل خواهد آمد تعیین و بمودی ابلاغ میشود

اگر مودی در ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ به تشخیص

مالیه و اخوای نداد مالیات تشخیص شده قطعی و وصول خواهد شد. در صورت دادن و اخوای طبق ماده ۷ عمل میشود

تبصره - اگر واقف بوظیفه خود عمل ننماید متولی در ظرف دو ماه پس از اطلاع مسئول پرداخت مالیات مقرر و انجام تکالیفی که به عهده واقف محول است میباشد
رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - در ماده هجده منویسد در مورد صلح طرفین معامله متضامناً مسئول مالیات هستند بدیهی است که اینماده شامل معاملاتی است که به صورت صلح نقل و انتقال میشود ولی اگر فرضاً يك وقتی دعاوی مورد صلح واقع شود راجع بیک رفع اختلافی این البته مشمول مالیات نخواهد بود برای اینکه این امر خیری است که رفع اختلافات بین اشخاص میشود و اغلب هم طرفین در این جا نفعی ندارند و فقط نفعشان این است که از يك اختلافاتی صرف نظر میکنند این بود که بنده خواستم در این جا آقای وزیر مالیه يك توضیحی فرمایند تا مطلب معلوم شود
وزیر مالیه - این مسلم است منظور از صلح وجه یا مال است بلاعوض اگر دعاوی مورد صلح واقع شود مشمول این مالیات نمیشود

رئیس - موافقین با ماده ۱۸ قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۹ قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۹ - مقررات مواد ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ در مورد مکلفین ماده ۱۸ نیز قابل اجرا است
رئیس - موافقین با ماده نوزدهم قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده بیستم
(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۲۰ - شاهنشاه و ملکه و اعقاب بلا فصل شاهنشاه از پرداخت مالیاتهای نام برده در این قانون معافند.
رئیس - موافقین با ماده ۲۰ قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۲۱
(بمضمون آتی قرائت شد)

فصل سوم - مقررات عمومی

ماده ۲۱ - مالیات باید در مورد ارت در ظرف شش ماه پس از تاریخ تسلیم اظهار نامه و در مورد فصل دوم این قانون در موقع تسلیم اظهار نامه پرداخت شود مگر در مواردی که مودی عذر موجه داشته و با اقامه ادله کافی و در موارد لزوم ارائه اسناد عذر خود را ثابت نماید در اینصورت وزارت مالیه میتواند مدت پرداخت مالیات را تمدید کند

رئیس - موافقین با ماده ۲۱ قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۲۲ قرائت میشود
(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۲۲ - وزارت مالیه مجاز است برای تشخیص و بازرسی وصول مالیات در حدود این قانون نظامنامه هائی وضع نماید
رئیس - موافقین با ماده ۲۲ قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۲۳ قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۳ - متخلفین از مقررات اینقانون ملزم به پرداخت جرائمی خواهند بود که حداکثر آن هزار ریال یا دو برابر مالیات پرداخت نشده خواهد بود.
نظامنامه جرائم بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید.

رئیس - موافقین با ماده ۲۳ قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۲۴
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - هر گاه اشخاصی که طبق این قانون مکلف بدادن اظهار نامه یا مالیات هستند صغیر یا محجور باشند ولی یا قیم قانونی آنها و اگر شخص حقوقی باشد مدیر یا مدیران موسسه مسئول هستند

رئیس - موافقین بل ماده ۲۴ قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۲۵ قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۵ - در مواردی که مشمولین این قانون در تأدیه مالیات خود و یا مالیاتی که مسؤلیت پرداخت آن طبق این قانون بمعهده آنها است تأخیر نمایند نسبت بهر ماه تأخیر ملزم پرداخت خسارتی معادل یک در صد مالیات متعلقه خواهند بود

رئیس - پیشنهادی از آقای دهستانی رسیده است قرائت میشود .

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم در سطر دوم ماده ۲۵ بعد از جمله تأخیر نمایند اصلاح شود (در صورتی که عذر موجهی نداشته باشند) الی آخر .

رئیس - آقای دهستانی (اجازه)

دهستانی - لازم بتوضیح نیست برای اینکه کسیکه مالیات نپرداخته است ممکن است عذر موجهی داشته باشد در این صورت بنده تصور می کنم اگر موافقت بشود که نوشته شود (در صورتی که عذر موجهی نداشته باشد) بهتر است .

وزیر مالیه - منظور آقای حاصل است برای اینکه نوشته شده (طبق این قانون) و در قانون هم در ماده ۲۹ نوشته شده اگر عذر موجهی داشته باشد مسموع خواهد بود و این قسمت هم مشمول همان است و بنظر بنده منظور آقای هم تأمین است .

دهستانی - بنده استرداد میکنم .

رئیس - موافقین با ماده ۲۵ قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۲۶ قرائت میشود
(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۲۶ - اعضاء و مستخدمین وزارت مالیه و اعضاء

اکمسیونهای تشخیص و همچنین سایر اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند مکلفند اطلاعاتی را که از دلرانی اشخاص در نتیجه مأموریت تحصیل کرده اند بکلی محرمانه نگاه دارند مگر در مواردی که وظیفه شغلی آنها دادن اطلاعات نام برده را ایجاب نماید .

متخلف مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد

رئیس - موافقین با ماده ۲۶ قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۷

ماده ۲۷ - این قانون بلا فاصله پس از تصویب اجرا خواهد شد

رئیس - موافقین با ماده ۲۷ قیام فرمایند (اغلب برخاستند)
تصویب شد : مذاکره در کلیات است

اعتبار - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

اعتبار - بکمووضوعی را آقای حیدری فرمودند در موضوع طبقه و درجه حالا بنده استدعا میکنم این قسمت را همانطور که توضیح داده شد اصلاح بفرمائید کلمه درجه تبدیل شود به طبقه چون در مواد بعد هم همه جا (طبقه) نوشته شده است (نمایندگان - صحیح است)

رئیس - آقای مصدق جهانشاهی (اجازه)

مصدق جهانشاهی - بنده با این لایحه موافقم این لواجی که می آید بمجلس بعقیده بنده هر کدام يك باب سعادت است که برای مردم باز میشود بنده فقط برای ادای يك کلمه آمدم اینجا . در ماده چهارده صحبت شد و البته آن شخصی که این صحبت را کرد از موافقین جدی دولت هم بود منظوری هم نداشت ولی با يك لحن خاصی گفت فردا مالیه مالیات را خواهد گرفت من خواستم اینجا وجداناً ادای وظیفه کنم و بگویم که ملت ایران بدولت با نهایت افتخار مالیات میدهد . نه با آن لحنی که گفتند مالیات میگیرد . دولتی که این همه افتخارات و این امنیت و آسایش را برای ما فراهم آورده است ملت با کمال میل مالیات می دهد و دولت هم صرفه کارهای عمومی میکند .

رئیس - آقای حیدری (اجازه)

حیدری - بنده در مواد دو توضیح میخواستم که موقع نشد این بود که خواستم در شور کلیات عرض کنم دو یکی در تصویر ماده ۵ نوشته بود (قیمت اقالیه خانه مسکونی متوفی اعم از اینکه خانه ملکی یا اجاری باشد مقطوعاً از قرار پانزده درصد قیمت خانه تعیین خواهد شد) ممکن است که متوفی صاحب خانه نباشد یعنی رئیس خانواده نباشد يك نفری در آن خانه فوت شده باشد که اثاثیه آن خانه مال آن شخص نباشد مقصود و منظور قانون را بنده توجه دارم ولی عبارت طوری نوشته شده است که شامل هر فردی که در خانه است میشود این است که لازم است يك توضیحی بفرمائید که در صورت مجلس قید شود یا اینکه بنویسند قیمت اثاثیه ملکی خانه مسکونی متوفی . فرض بفرمائید شوهری زنی فوت شد اثاثیه مال شوهر است و خانه مسکونی مال آن زن است آنوقت باید صدی پانزده قیمت خانه را در نظر بگیرند برای قیمت اثاثیه متوفی ؟ اینجا يك توضیحی لازم دارد که معلوم شود مقصود اثاثیه ملکی متوفی است نه اینکه اثاثیه خانه که در آن ساکن هستند . مثلاً اگر نوکری در خانه فوت کرد باید بیابند صدی پانزده قیمت آن خانه را ملاک اثاثیه و دلخواهی او قرار بدهند ؟ دیگر اینکه در ماده ۲۳ بنویسند : متخلفین از مقررات این قانون ملزم به پرداخت جرأتمی خواهند بود که حد اکثر آن هزار ریال یا دو برابر مالیات پرداخته نشده خواهد بود . بنده خواستم بفهمم که مقصود این است که جریمه از هزار ریال تجاوز نکند ولو اینکه دو برابر مالیات پرداخته نشده میزانش از هزار ریال بیشتر باشد ؟ یا اینکه مخیرند بین اینکه دو برابر مالیات بگیرند یا هزار ریال را بگیرند ؟ این است که استدعا میکنم در این باب هم يك توضیحاتی داده شود .

وزیر مالیه - عرض کنم نسبت بمسئله اولی که فرمودید اولاً معلوم است شخصی که صاحب اثاثیه باشد و بخواهد که اثاثیه ا تقویم کنند صدی پانزده قیمت خانه را ملاک قرار میدهند قتی کسی اثاثیه داشت و اگر نداشت که اصل موضوع منتفی

میشود وقتی که اثاثیه داشت برای اینکه فردی اثاثیه را نبرد قیمت کمترین این شریعت در نظر گرفته شد و این خیلی واضح است قیمت دوم هم که بگرفت مرتکب تخلفی شده است مثلاً اظهار نامه داده اند اینجا حد اکثر جریمه که ممکن است گرفته شود تا هزار ریال است ولی بگرفت نسبت بموضوع مالیات است که نپرداخته است آنوقت ممکن است تا دو برابر مالیات گرفته شود پس در يك مواردی تا هزار ریال است و در يك مواردی تا معادل دو برابر مالیات اصلی است .

رئیس - آقای حیدری (اجازه)

حیدری - آقای جهانشاهی يك اظهاراتی در اینجا کردند راجع به بیانات آقای وکیل که بکلی بر خلاف بود زیرا ایشان اینطوری که آقای جهانشاهی گفتند نکتند و هیچ مقصود و منظوری هم نداشتند و چون بیانات آقای وکیل در اینجا سوء تعبیر شد بنده خواستم این تذکره را داده باشم .

رئیس - آقای اعتصامزاده (اجازه)

اعتصامزاده - عرض کنم عرایض بنده یکی راجع بماده شانزده بود که توضیح فرمودید که این مالیات مطابق بند ج ماده ۹ گرفته خواهد شد در آن قسمت عرضی ندارم ولی مقصود بنده راجع به حد اقل معافیت بود چون در اینجا معلوم میشود که حد اقل معافیت در بین نیست و از مقدار بیست و پنج هزار ریال کمتر هم مالیات گرفته میشود خوب این کمترش با تخفیر است اگر برقرری برای برادرش بپایگی از دوستانش يك کلدان تفره فرستاد یا کسی برای يك عروسی يك چیزی بعنوان چشم روشنی فرستاد آنرا هم باید مالیات بدهد ؟ این را توضیح فرمائید .

وزیر مالیه - وزارت يك حد نصیبی معین شده و البته اشخاصی هستند که زندگی آنها بواسطه وجود مورث است و او که از بین موجود باید يك چیزی بآنها برسد تا بتوانند زندگی کنند این است که البته باید تا يك حدی را معاف کرد ولی راجع به انتقالات بلا عوض اینطور نیست انتقال بلا عوض این است که يك شخص بمشخص دیگر يك چیزی بلا عوض میدهد این البته مثل مالیات بر درآمد است و باید

هر قدر و بهر عنوانی که باشد مالیات آنرا بدهد و حد نصاب هم ندارد البته تکلیف مأمور مالیات این است که اگر یک کسی صد تومان بیک کسی داد وقتی اطلاع حاصل کرد بوظیفه خودش رفتار کند حالا اگر آدمیم یک طوری شد که مأمورین مالیات نفهمیدند خوب نفهمیده است و مالیات هم گرفته نخواهد شد ولی اگر اطلاع حاصل کردند البته مطالبه میکنند.

(نماینده کان - مذاکرات کافی است)

وکیل - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

وکیل - اینجا آقای مصدق جهانشاهی منظور بنده را نفهمیدند بنده گفتم که وزارت مالیات را بگیرد بنده این را گفتم و حالا هم میگویم باید وزارت مالیات را بگیرد و غیر از وزارت مالیات هیچ وزارتخانه صلاحیت اخذ مالیات را ندارد (بعضی از نمایندگان - صحیح است) مگر آقا میخواهند غیر از وزارت مالیات کسی دیگر مالیات بگیرد مقصودم این بود بنده همچو حرفی که ایشان گفتند نردم.

(نماینده کان - صحیح است)

رئیس - آقایانیکه موافقت با این لایحه و رقه سفید خواهند داد.

(اخذ شماره آراء بعمل آمده ۱۰۲ و رقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین در موقه اعلام رأی ۱۰۸ با ۱۰۲

رأی تصویب شد

[۴ - تصویب دو فقره مرخصی]

رئیس - گزارش کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به

مرخصی آقای عیسی مشار قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

آقای عیسی مشار تقاضای چهارده روز مرخصی از تاریخ

۱۴ مهر ماه ۱۳۱۶ نموده اند و کمیسیون عرایض و مرخصی با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک گزارش آن به عرض میرسد.

رئیس - آقایان موافقین با این مرخصی قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر مرخصی آقای دکتر ضیاء قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

آقای دکتر ضیاء تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۱۶ نموده اند و این تقاضا مورد موافقت

کمیسیون واقع شده اینک گزارش آن تقدیم میشود

رئیس - آقایان موافقین با مرخصی آقای دکتر ضیاء قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای وزیر عدلیه میل و اصرار دارند که این قانون عمران زود تر بگذرد و خواهش کرده اند

که پیش از این که آقایان تشریف ببرند این قانون را هم بگذرانند چون زیاد هم نیست شور دوم هم هست اگر

اجازه میفرمائید گزارش کمیسیون غمخاط قرائت میشود

افشار - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

افشار - عرض کنم اولاً خود وزیر عدلیه نیستند و به

اضافه وقت هم گذشته است

[۵ - شور و تصویب لایحه عمران کشور]

رئیس - اولاً وزیر عدلیه خواهد آمد ثانیاً این لایحه هم

مختصر است و هم چون فوریت دارد باید زود تر بگذرد

گزارش کمیسیون غمخاط بشرح ذیل قرائت و در این ضمن آقای وزیر عدلیه وارد شدند

گزارش از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی - لایحه نمره ۱۶۸۲۱ دولت راجع به عمران کشور برای

شور دوم در کمیسیون های قوانین عدلیه و داخله و فلاحه مطرح و با حضور آقای وزیر عدلیه و وزیر داخله نظریات

و پیشنهادات آقایان نمایندگان مورد دقت و توجه واقع و پس از مذاکرات مفصل و توضیحاتی که آقایان وزراء بیان

نمودند در نتیجه مواد گزارش شده ضمن شور اول با اصلاحاتی تصویب و اینک گزارش آن را برای رأی قطعی مجلس شورای

ملی تقدیم مینماید

رئیس - ماده اول

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱ - مالکین اراضی فلاحی مکلف به عمران آن هستند و این تکلیف نسبت به املاک وقف بعهدہ متولی یا قائم مقام

او و در املاک ثلث بعهدہ وصی و در املاک معجورین بعده ولی آنهاست. مقصود از عمران مذکور در این ماده حاصل

شدن حداکثر استفاده فلاحی است بوسیله احداث و احیاء و تعمیر قنوات - دائر کردن اراضی بائر - دائر نگاهداشتن

آنها بطریق اصول فنی فلاحی و بهداشتی - احداث و اصلاح خانهای رعیتی با رعایت اصول بهداشتی - تاسیس راه های فرعی

بین دهات - ایجاد پست های بهداشتی - خشک کردن اراضی باطلاتی بوسیله زه کشی و غیره.

تبصره - عمران خانهای رعیتی که عرصه آن متعلق بمالک است بعهدہ صاحب اعیانی میباشد

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - بنده خواستم آقای وزیر عدلیه توجه فرمایند

چون عرایض بنده مربوط به اصل قانون نیست زیرا تصور نمیکنم کسی باشد که با این قانون موافق نباشد زیرا در نتیجه

این قانون تمام کشور عمران و آبادی حاصل خواهد کرد (نماینده کان - صحیح است) ولی در طرز اجرا و در طرز

تعمیر خود مواد و مقررات عرایض داریم و منظورمان این

است که طوری نوشته شود که در اجرا اسباب زحمت مردم نشود و در عین حال هم اصول فلاحی که از قدیم الایام در ایران جاری بوده آن اصول هم بر هم نخورد و طرز بهتری پیدا کند البته ایران خیلی وسیع است و هر منطقه یک مقررات خاصی دارد مثلاً شمال ایران را نمیشود مقایسه کرد با جنوب و بهمین ترتیب وضع ارباب و رعیتی هم فرق میکند مثلاً در قسمت جنوب شرقی تمام مخارج را مالکین میدهند چرا برای اینکه از عهده رعیت خارج است که صد هزار تومان خرج کند که یک فوات احداث نماید و چون کلیه مخارج بعهدہ مالک است بهمین جهت هم عایدات مالک بیش از رعیت است سه ربع یا دو ثلث مالک میبرد و یک ثلث یا یک ربع رعیت ولی بر عکس در ایالات شمالی قسمت عمده مخارج بعهدہ رعیت است بهمین جهت هم از محصول فلاحی سهم رعیت بیشتر از مالک است و اگر درست ما این مطلب را تجزیه بکنیم در واقع امر فلاحی یک شرکتی است زیرا در بعضی جاها آب و خاک با بعضی مخارج را مالک میگذارد عمل و عوامل فلاحی را هم رعیت و در بعضی قسمت بندر را هم رعیت میگذارد و وقتی که این قسمت ها و این مخارج بالمناصفه گذاشته شد البته از عواید هم به نسبت مخارج کسر میشود بنا بر این عدل و انصاف چنین تقاضا میکند که در عایدات وقتی که دو نفر سهم و شریک شدند در مخارج هم باید سهم و شریک باشند مطابق این قانون تمام تکلیف به عهده مالک است یعنی تمام مخارج بعهدہ مالک است و البته آقایان مستحضرنند که در بعضی قسمت ها یک اختلافاتی مابین رعیت و مالک هست و این قانون آن اختلافات را از بین خواهد برد بهمین جهت بنده میخواستم از آقای وزیر عدلیه استدعا کنم ماده اول یا بعضی مواد دیگر طوری تنظیم بشود که اشخاص به نسبت عوایدی که از محصول فلاحی بر میدارند شریک در مخارج باشند نه اینکه این را تحمیل بر یک طبقه شرکاء بکنند اصل این قانون را اگر ملاحظه فرمائید تمام تکلیف بعهدہ مالک است در صورتی که قسمت عمده عواید تقسیم میشود بین مالک و رعیت و هیچ علت ندارد یا اینکه در این قانون بوسیله

- اسامی رای دهندگان - آقایان: خلیل حریری - حسن مهدوی - اعتصامزاده - ملایری - جلائی - دکتر جوان - نیک پور - دادور
- عبدالله ناهید - گودرزی - ذوالقدر - مؤید قرامی - افخمی - کاظم جلیلی - خواجه نوری - رضوی - مسعودی خراسانی - دکتر سمعی - میرزائی
- مرتضی بیات - حبیب الله لاریجانی - صفوی - محیط - حریری طلوع - دهستانی - هدایت - فخر طباطبائی - دکتر غنی - مؤید تابتی - غلامحسین ملک
- منصف - دکتر ملک زاده - شاهرودی - سمرز - دکتر ضیاء - دکتر اهری - بودا غیان - یارسا - ملک زاده آملی - طهرانچی - قنوجی - محمد تقی
- اسفندیاری - طالش - رفیعی - رحیم سمعی - عزیزی - اسکندری - دکتر قول باغ - اردبیلی - معدل - ایزدی - نراقی - انشار - اورنگ
- مکرم افشار - طباطبائی نائینی - شجاع - تربیت - ثقة الاسلامی - دکتر طاهری - نو بخت - کاشف - دکتر سنگ - سلطانی - مجد ضیائی - محمد
- طباطبائی - مؤید احمدی - رهبری - نازی - حیدری - دکتر آقمان - فرشی - آزادی - موسی مرآت - نواب یزدی - دکتر فیرومند - ابراهیم سمعی
- ابراهیمی زکی - نقابت - ساکینیان - وکیل - معتمد سنگ - صفاری - مزدهی - روحی - مرتضی امین - حسینی دولتشاهی - عطاء الله پالیزی
- پناهی - اصفهانی - تولیت - شیرازی - امیر ابراهیمی - موقر - مشار - ناصری - مولوی - دکتر تاج بخش - اعتبار

يك تبصره این منظور تأمین بشود والا اگر ما تمام تجمیلات را بعهده مالك بگذاریم نه تنها غیر عادلانه است بلکه منظور دولت هم عملی نمیشود زیرا این غیر فلاحی است مستلزم مخارج فوق العاده است و این مخارج فوق العاده را یکطرف از شرکت نمیتواند بپردازد و باید تمام شرکت که عبارت باشد از مالك و رعیت هر دو بپردازند مثلاً در قسمت طرق فرعی در اروپا هم (که البته آقای وزیر عدلیه بهتر میدانند) در هر دهی خود دهاتیها موظفند که يك عده عمله برای ساختن راه بدهند و بهمین جهت هم رعایا یعنی ساکنین دهات هر سالی چند روزی میروند برای ساختن این راه های فرعی کار میکنند این است که اگر ما تمام این تکالیف را تحمیل مالك کنیم اصلاً مالك آنقدر عایدات ندارد که بتواند منظور دولت را تأمین کند همچنین بهداری و وسائل تعلیم و تربیت که آنهم لازم است در این جا منظور شود و بطور ما میخواهیم ملکیت را ترقی بدهیم ولی افراد بی سواد نباشند این نمیشود اگر ما بخواهیم تمام تجمیلات را بر عهده دولت بکنیم آنهم غیر عملی است. در اروپا تمام تعلیمات ابتدائی را خود اهالی تحمیل میکنند و بهداری و راه سازی را هم اشخاص ذنبع متحمل میشوند و اگر ما بخواهیم تمام اینها را تحمیل بر بکسر مالك بکنیم این عملی نخواهد شد عرض بنده این است که در این لایحه (متأسفانه بنده تقواستیم در کمیسیون حاضر شوم) يك طوری بشود که به نسبت استفاده که از فلاحیت میکنند بهمین نسبت هم باید در خرج سهم و شریک باشند.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده اولاً میخواهم در کلیات این قانون عرض کنم که حقیقتاً در این چند سال اخیر که متوجه امور اقتصادی کشور شده اند بیشتر در قسمت صناعت اقدامات خیلی مؤثری شده و در نتیجه شرکت های زیادی در لنین کشور تشکیل شد و تجارت های شرکتی و اجتماعی زیاد شد و همچنین در قسمت کارخانجات و معدن. ولی آن توجهی که نسبت بازرگانی فلاحیت بایستی بشود آنطوری که در قسمت صناعت شده بود تا بحال نشده بود

و حالا دولت در نظر گرفته است که برای آبادی دهات و ساختن راه ها و بهداریت و سایر مطالبی که در این قانون نوشته شده اقداماتی بنمایند البته همه ما ما آرزوی ترینه مان این بود که امور فلاحی این ملکیت که يك ملکیت فلاحی است از آن وضع سابق به يك وضع بهتری در آید و همانطور که تمام امور کشور رو بترقی و تعالی رفته است امور فلاحی ما هم رو بترقی رود و فقط يك نکته آقای انصار فرمودند که اینجا بنده خصوصاً خواستم جواب به ایشان عرض کنم و فرمایند که اینها تحمیل بشود به رعیت و مالك هر دو. اما رعیت فقط از محصول سهم میرد شما فردا بیرونش میکنید آنوقت او مخارج بدهد؟ رعیت يك سهم میرد از رعیتش حالا سرکار میخواهد خانه بسازد لو بیاید سهم بدهد؟ مگر اینکه شما شریکش بکنید آنوقت او هم سهم بدهد در مخارج. شما هر چه ملك دارید نصف آن را بر رعیت واگذار کنید آنوقت آنها هم با شما شرکت میکنند در مخارج. اما آبادانی ملك شما را که رعیت نباید بکند. فقط این جا يك چیزی گفته شد که در حدود آذربایجان اغلب خانه ها مال رعیت است و در قانون ثبت اسناد هم يك قانونی گذشته که جائیکه اعیانیش مال رعیت است و عرصه اش مال مالك مالك فقط میتواند عرصه را به ثبت برساند و اینهم که در تبصره نوشته شده است که آنها خرج زمین را بدهند برای همین است ولی سایر مخارج ده را رعیت نمیتواند بدهد. فقط در تبصره يك عبارتی دلربا که بعقیده بنده زائد است. رعیتی بعهده صاحب اعیانی میاشد و دیگر عرصه آن با مالك زیاد است

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرضی ندارم

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای جهانشاهی

مصدق جهانشاهی - عرض کنم لوابی که از طرف دولت چه در دوره قملی و چه در ادولر سابق به مجلس آمده آنها که تصویب شده و بموقع اجرا گذاشته شده

خیلی مختار داریم که نتایج آنها را ما امروز می بینیم و این لایحه هم که از طرف دولت آمده است امیدواریم که نتیجه خوب آنرا عقرب به بینیم بعقیده بنده اینهم یکی از لوابی اساسی است در ملکیت ما طبقات نیست همه در مقابل قانون یکسان هستند ماطبقه نداریم زارع و مالك هر دو در مقابل قانون یکسانند این لایحه منافع زارع و مالك را کاملاً تأمین میکند و بنده موافقم اینکه مالك بزراع اجازه بدهد خانه را زارع بسازد بشرط اینکه اعیانی آنها مال خودشان باشد این خیلی خوب است مال مال مالك است ولی با این ترتیب آن زارع را هم در منافع شریک میکند در بعضی جاها همینطور که یکی از نمایندگان محترم در کمیسیون صحبت کردند که در فلان محل اعیانی هم مال زارع است مالك چطور بسازد بنده میگویم آقا بزراع اجازه بدهید که خانه بسازد که آنها هم شریک بشوند و علاقمند بشوند در منافع با جناب عالی و تصور میکنم اگر همچو تصمیمی مالك بگیرد منافع زیادی را متضمن خواهد بود يك چیز بنظر بنده آمد این را خواستم عرض کنم که این لایحه نه تنها مالك و زارع را متمول میکند بلکه در صحت و تندرستی عمومی يك عامل مؤثری است ما در کمیسیونها با حضور آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر داخله زیاد بحث کردیم و آن اندازه ای که ممکن بود این لایحه عملی شود عملی شد و بنده خیلی متشکر هستم از آقایان وزیر عدلیه و وزیر داخله که باما تشریک مساعی کردند و عقیده بنده اینست که این لایحه طوری تنظیم شده است که مطلقاً دیگر جای بحث نیست

رئیس - موافقین باماده اول قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم

(اینطور خوانده شد)

ماده دوم - مصارف لازمه عمران که متضمن نفع عمومی دهستان است بوسیله تعاون بین مالکین دهات واقع در هر دهستان تأمین می شود ترتیب اجراء تعاون بقرار زیر است: شورای بخش بفرخور حوائج و استعداد ترقی و آبادی هر دهستان واقع در حوزه خود برنامه راهسازی و بهداری

و دائر و آباد کردن انهار و قنوات مشترك آن دهستان را تنظیم کرده مدت اجرای برنامه و مصارف آن و سهم هر يك از مالکین آن دهستان را در هزینه و ترتیب اجرای آن معین خواهد کرد

برنامه نامبرده پس از موافقت فرماندار شهرستان بموقع اجرا گذاشته خواهد شد

اشخاص ذنبع هر گاه بتصمیمات شورای بخش اعتراض داشته باشند میتوانند اعتراضات خود را موجهاً به شورای بخش بدهند. شورای بخش با اعتراضات رسیدگی کرده رأی می دهد در صورتیکه معترض از رأی شورا رضایت نداشته باشد فرماندار شهرستان مراجعه میکند فرماندار مکلف است اعتراضات را در شورای اداری شهرستانی طرح نماید شورای اداری میتواند لدی الاقتضاء جلب نظر اهل خبره را بنماید رای شورای شهرستانی قطعی است

رئیس - آقای طباطبائی

محمد طباطبائی - بطوری که در لایحه مالیات برارث مذاکره شد بجای کلمه اعتراض واخواهی که از مصوبات فرهنگستان است گذارده شد اینجا هم تمنی میکنم که دوسه کلمه اعتراض را تصحیح فرمایند و بنویسند واخواهی بعضی از نمایندگان - این جا کلمه اعتراضات است نه اعتراض رئیس - حالا اصلاح میماند تا اینکه از فرهنگستان لغتی وضع شود. آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در اینجا دو دفعه در عوض کلمه شهرستان (شهرستانی) نوشته شده باید شهرستان باشد

مخبر - در طبع اشتباه شده است و شهرستان صحیح است

رئیس - رای گرفته میشود بماده دوم آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد يك مقداری تنفس می دهیم بعد جلسه می شود (صحیح است)

(در اینموقع پنج ساعت بعد از ظهر) جلسه بعنوان تنفس تعطیل و بفاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - ماده سوم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم - هر گاه علت خرابی ملکی عدم قدرت مالی

مالك باشد پس از تحقیق از وضعیت ملك و مالك و اجراز لزوم هزینه و مقدار آن وسائل عمران از راه استقراض یا نحو دیگر بترتیب مذکور در نظنامه ای که بتصویب هیئت وزراء میرسد فراهم خواهد شد

رئیس - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم (اینطور خوانده شد)

ماده چهارم - در صورتیکه علت خرابی پاداشتن قدرت مالی عدم موفقیت مالك در تهیه وسایل عمران بواسطه بی اطلاعی یا ضعف قوا باشد و یا با موجود بودن وسیله عمران خرابی ملك یا قنات بر اثر مسامحه و بی فیدی مالك بایکي از شرکاء ملك یا قنات باشد و اقداماتی را که برای وادار کردن مالك بعمران ملك یا قنات بعمل آمده مؤثر نشود ملك یا قنات بوسیله شرکتها و مؤسسات بهره برداری فلاحی که مطابق ماده ۲۱ قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمان داران و بخش دهران مصوب ۲۰ آبان ۱۳۱۶ تشکیل شده شود بحساب مالك یا بعنوان اجاره برای مدتی که شورای بخش تعیین میکند اداره و عمران خواهد شد

رئیس - موافقین با ماده چهارم قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم

ماده پنجم - در صورتیکه در مورد ماده ۴ شورای بخش گزارش مشتمل بر امور زیر در دو نسخه تهیه و تسلیم بخش دار مینماید الف - وضعیت ملك یا قنات و جهات خرابی آن و مشخصات مالك و مقصدی

ب - چه اقدامی برای عمران ملك یا قنات لازم است و هزینه آن بطور تحقیق و ترتیب استهلاک آن بار عاید اعاشه ملك چیست ج - عطفی که مطلق ماده چهارم برای اجتناب از تکرار مشابه است

بخش دار يك نسخه از آن گزارش را به مالك یا مالکین ملك یا قناتی که مورد نظر شورای بخش بوده است یا کسی

که قائم مقام مالك است از قبیل وصی یا متولی یا ولی بقدرت ابلاغ میکند - مالك یا قائم مقام او مکلف است در ظرف ده روز با رعایت مسافت قانونی هر نظر و دفاعی در مقابل گزارش شورای بخش دارد کتبا به بخش دار بدهد

بخش دار نسخه دیگر گزارش شورای بخش و جواب مسالك یا قنات مقام او را نزد فرماندار شهرستان میفرستد - فرماندار گزارش شورای بخش و جواب آنرا رسیدگی کرده در صورتیکه لازم بداند توضیحات مقتضی اخذ مینماید و رأی خود را میدهد در صورتیکه مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان تسلیم برای فرماندار نباشند میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ آن با رعایت مسافت قانونی به فرماندار اعتراض کند این اعتراض در مجلس تجزیه نظر مرکب از خود فرماندار شهرستان و رئیس عدلیه و نماینده اداره کل فلاح و در غیاب او رئیس ملایه رسیدگی میشود - فرماندار می تواند لدى الاقتصا جلب نظر اهل خبرم را بنماید برای این مجلس قطعی است و بموقع اجرا گذاشته میشود

رئیس - موافقین با ماده پنجم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ششم

ماده ششم - در صورتیکه مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان در ظرف ده روز پس از ابلاغ نسخه ثانی گزارش شورای بخش با رعایت مسافت قانونی یا مالکین یا قائم مقام آنان سکوت اختیار کنند نسخه ثانی گزارش شورای نزد فرماندار شهرستان فرستاده میشود و فرماندار فقط باستناد گزارش نام برده رأی میدهد - همینطور هر گاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی فرماندار از طرف مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان اعتراضی فرماندار نرسد رأی فرماندار قطعی و قابل اجرا است

وزیر عدلیه - اینجا تصور میکنم يك اشتباهی شده است که نمیدانم این اشتباه از کجا پیش آمده است عبارت را بگذراند فیگر آقای مؤید احمدی قرائت فرمایند (بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - در صورتیکه مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان

در ظرف ده روز پس از ابلاغ نسخه ثانی گزارش شورای بخش با رعایت مسافت قانونی یا مالکین یا قائم مقام آنان سکوت اختیار کنند ...

وزیر عدلیه - اصل این عبارت اینطور نبوده گویا در چاپ اشتباه شده و عبارت یا مالکین یا قائم مقام آنان زائد است

مؤید احمدی - اگر عبارت (یا مالکین یا قائم مقام آنان) را برداریم عبارت درست میشود

وزیر عدلیه - با حذف این جمله بخوانید (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - در صورتیکه مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان در ظرف ده روز پس از ابلاغ نسخه ثانی گزارش شورای بخش با رعایت مسافت قانونی سکوت اختیار کنند ...

وزیر عدلیه - صحیح است حالا اشکالی ندارد

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم اگر آقای وزیر عدلیه موافقت فرمایند گویا نظر هم این بود که برای رأی دادن فرماندار هم يك مدتی را معین کنند تا در ظرف آن مدت تکلیف معلوم شود گویا از نظرشان محوشده است یا در ماده دیگری است مخبر - در ماده دیگر است

وزیر عدلیه - این جا مقصودشان این است که شورای بخش یا فرماندار در يك مدتی رأی بدهد مقصودشان این است اگر منظور این است که هر کاری يك مدت خاصی دارد معهدا اگر طول هم بگردد از تعویقش ضرری متوجه نخواهد شد

رئیس - موافقین با ماده ششم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هفتم

ماده هفتم - هر گاه قبل از اجرای رأی فرماندار یا رأی مجلس تجدید نظر مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان تعمیرات ملك یا قنات را موافقتی مبدلول رأی انجام دهند اجرائیات فرمانداری موقوف مینماید

رئیس - موافقین با ماده هفتم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هشتم

رئیس - تصویب شد ماده هشتم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده هشتم - ترتیب اجراء رأی فرماندار یا مجلس تجدید نظر مطابق نظامنامه وزارت داخله خواهد بود

رئیس - موافقین با ماده هشتم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده نهم (اینطور خوانده شد)

ماده نهم - اداره کل فلاح مکلف است بمالکین و زارعینی که از حیث ترقی محصول و عمران اراضی بر سایرین سبقت جسته باشند مطابق نظامنامه مخصوص جائزه اعطاء نماید

رئیس - موافقین با ماده نهم قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دهم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دهم - هر گاه مأمورین دولتی و شهرداری و اعضای شورا های بخش و شورا های اداری شهرستان دو موارد اعمال و اجرای مقررات این قانون بر خلاف حقیقت یا به اغراض خصوصی نظری کتبا اظهار نمایند و بنظر آن ها اثری مترتب شود بحسب تأدیبه از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد به علاوه مرتکب مسئول جبران کلیه خسارات وارده باشخاص ذی نفع خواهد بود و در صورت تعدد مرتکبین کلیه آن ها مشترکاً مسئول جبران خسارات مینباشند

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - عرض کنم در آخر ماده ۱۰ که نوشته است و در صورت تعدد مرتکبین کلیه آنها مشترکاً مسئول جبران خسارت مینباشند خواندم اگر آقای وزیر عدلیه موافقت فرمایند کلمه مشترکاً به کلمه متضامناً تبدیل شود چون در تمام موارد جزائی که چندین نفر مرتکب يك جرمی میشوند مسئولیت آنها متضامناً است و در این جا هم که اگر چند نفر از اعضای شورای متعمداً بر خلاف حقیقت گزارشی

بدهند که در نتیجه آن گزارش خسارتی متوجه مالکین بشود البته جبران خسارت متضامناً باید باشد اگر مشترکاً باشد ممکن است چند نفر فاقد مال باشند و بقدر سهم خود نتوانند جبران کنند باین جهت متضامناً از مشترکاً بهتر است .

وزیر عدلیه - در کمیسیون آقایان در این قسمت مذاکره کردند و بعد از صحبت زیاد اینطور توضیح داده شد که کلمه مشترکاً با این ماده تناسب بیشتر است برای اینکه آنها مشترکاً مرتکب این عمل شده و خسارت وارد آورده اند و این مقصود با این کلمه بهتر تأمین می شود که اگر مرتکب شدند همه شرکت کنند در تأدیة اش اینطور عادلانه تر است

رئیس - موافقین با ماده دهم قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده یازدهم
ماده یازدهم - هرگاه در موقع اجرای برنامه فلاحتی در دهستانها که از طرف اداره کل فلاحت تنظیم و اعلان میشود اشخاص ذی نفع از نظر آب و هوا و استعداد زمین به کشت نوع معینی از محصولات اعتراض داشته باشند بشورای بخش موجهاً شکایت میکنند - شورای بخش گزارش خود را با اظهار نظر نسبت بشکایت مزبور به فرماندار تسلیم مینماید و فرماندار با جلب نظر شورای شهرستان و اداره کل فلاحت رأی مقتضی صادر مینماید .

وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید . اینجا باز يك اشتباهی شده است در موقع پاکنویس بنده آنچه یادم می آید عبارت پس و پیش شد که هم عبارتش واضحتر و سلیس تر شد اینطور بنده خاطر می آید که عبارت اینطور بود در هرگاه در موقع اجرای برنامه فلاحتی که از طرف اداره کل فلاحت برای کشور تنظیم و اعلام میشود در دهستان ها اشخاص ذی نفع از نظر آب و هوا و استعداد زمین بکشت در پاکنویس گمان میکنم اشتباه شده باشد . استدعا میکنم یکدفعه دیگر قرائت فرمایند که درست شود .

(باین ترتیب خوانده شد)

کل فلاحت البته بر حسب امر جهات مطلع هرگاه تنظیم و تهیه شده و امینت و ابرام که با اجرای آن نتیجه و مقصودی که همه انتظار دارند کشف شده و بنده در مهتم خودم تفکر می کنم از آقایان که دو تشریح معنایی به آقایان نمایندگان فرمودند و می شود گفت که این لایحه را آقایان نمایندگان تنظیم کردند پس تمام آن اصلاحات و مواردی را که منظور بود و نظر داشتند البته با دلائلی که گفته شد و مفید تشخیص شد همه را قبول فرمودند و در شور اولی و دوم اصلاحات به موافقت شد فقط چیزیکه بنده این جا نظر داشتم عرض کنم و تذکر بدهم دو موضوع بود . قانون و مواد آن انصافاً و حقیقتاً بتعام معنی جامع تهیه شده است البته اجمال آنها باید خوب بشود موضوع اساسی اجرای این قانون موضوع بانک فلاحتی و اساسنامه بانک فلاحتی است و این را میدانم که آقایان مشغول هستند و همانطور که در مقدمه لایحه هم وعده فرمودند این قسمت را هم مشغول هستند و دارند مطالعه می کنند و البته انجام می شود بنده در موقعیکه این لایحه در کمیسیون مطرح بود این موضوع را خدمتشان عرض کردم و فرمودند که اگر بنده نظریه دارم عرض کنم و بفرستم خدمتشان ولی بهتر آن دانستم که عریض خود را همین جا عرض کنم موضوع بانک فلاحتی و مقرراتی که تا بحال داشته است و عمل شده است می شود گفت با مقررات این قانون منافات دارد و عملی نیست صرف نظر از اینکه يك مشکلاتی هست در اساسنامه که البته مطالعه فرموده و وعده فرموده اند اصلاح شود يك مدل ها و يك متحد المال هائی هست در بانک فلاحتی که آنها از همه مشکلتر است که بنده مکرر به آقایان عرض کردم که توجه به قسمت مدل ها فرمایند و فکر می کردم که در این قسمت يك پیشنهادی خدمتشان عرض کنم که این مدل ها اگر اینطور نوشته شود و عبارتش اینطور عوض شود بهتر است و برای اجرا نزدیکتر به عمل است ولی حالا خواستم خدمت آقای وزیر عدلیه عرض کنم که اگر این مدل ها متروک شود بهتر است . اصل قضیه را در نظر بگیرید تا بحال البته قانون نبود و نظاماتی

نبود خوب روی يك مقرراتی بیاينك فلاحتی مرا بجهه می شد و يك مالکین هم که مجبور نبود روی ذوق و فکر خودش میرفت به بانک فلاحتی و بکفرضه برای اصلاحات ملکش تقاضای کرد بانك هم يك پیشنهاداتی بهش میداد و يك مقرراتی را بهش نشان میداد اگر موافق می شد و صلاحتی بود قبول می کرد و اگر صلاحتی نبود قبول نمی کرد و چیزی را این جهات که نکرده بود ولی حالا بنظر بنده اینطور نیست حالا مکلف است این کار را بکند وقتی که مالک مکلف شد باید و مثال کار او فراهم باشد آنوقت بانک فلاحتی وقتی که از او تقاضا می شد که يك قرضه بدهد با گرفتن وثیقه و تمام تضمینات آنوقت يك مدلی بطوری آن تقاضا کننده میگذاشتند که شما برای اجرای این مواد ممکن است قرض بگیرد برای درخت کاری برای قنات و مدتش هم این است بنده که قرض میخواستم و نظرم آبادی و عمران ملکم بود طرز فکرم اصلاً با فکر آن ها تطبیق نمی کرد بنده میخواستم بروم آنجا قنات احداث کنم درخت بکارم او بعد از آنکه مأمور میفرستاد بمحل تازه مأمور میگفت آقایان درختی که تو میخواهی بکاری بسود نمیخورد یا این قناتی که میخواهی احداث کنی این قنات عملش این جا نیست و آب نمیدهد و نتیجه فقط نتیجه این کار این بود که يك مدتی وقت از طرفین تلف می شد بکخرجی شده بود و يك مأموری رفته بود و اصلاً نتیجه گرفته نمی شد ولی حالا بنظر بنده مطلب فرق کرده است دولت باید در این قضیه توجه بیشتری بکند و اساساً مقررات فعلی بانک فلاحتی را بگذارد کنار آن مقررات و مدل ها باید برود پس کارش اصل قرضه است و اصل قرضه تضمین است . اصل موافقت بانک فلاحتی است با يك تقاضا کننده که وقتی قرض میخواهد بگوید میدهم یا نمیدهم اگر میدهند دیگر شرایط زیاد و غیر قابل تحمل موردی ندارد فقط يك مبلغی قرض میدهند با این مدت که در فلان موقع هم اقساطش باید پرداخته شود و دیگر در قسمت رعیتی مداخله نکنند کاری هم نداشته باشند چون بنده مطابق این قانون مکلف هستم که این مقرراتی که در این جا ذکر شده و الان مجلس رأی

میدهد و قانون است و باید هم اجرا شود و طبق برنامه اداره کل فلاحت و شورای بخش و فرمانداران و این کیفیات يك وظائفي را انجام بدهم. این اصل است من باید این کار را بکنم و وقتی که بایستی این کار را بکنم دیگر مقررات بانک فلاحتی اساساً لازم نیست و مورد ندارد فقط بانک فلاحتی کاری را که بایستی بکند در قسمت تضمین است که این پولی را که میدهد از وصولش مطمئن شود که آیا میتواند پس بگیرد و با چه اقساطی و با چه فرعی میدهد این را که تأمین کرد دیگر در این که چه بکارم و چه بکنم بنظر بنده مداخله مورد ندارد باین جهت بنده میخواستم این را عرض کنم به آقایان حالا که اساسنامه بانک فلاحتی مورد مطالعه و نظر آقایان واقع میشود آن قسمت مقررات و متحد المالها و نظامنامه های مربوط به این کار را که در بانک فلاحتی است آنها را هم مقرر فرمائید بیاورند و مطالعه فرمایند که اگر مقتضی بود این عرض بنده را قبول فرمایند که اساساً برای انواع کشت بانک فلاحتی مقرراتی نداشته باشد نوع کشت و عوض کردن محصول آن مربوط است به همان برنامه فلاحتی و آنها البته مطابق این قانون اقدام میشود و اجراء میشود یکی از عرایض بنده این بود که یکی از چیزهای حساس و لازمی است و از نظر اجرای این قانون خیلی مؤثر است زیرا اگر این کمک نشود و موضوع بانک فلاحتی درست نشود اجرای این قانون اشکال دارد و شاید دولت هم بعد از يك توجه کوچکی بعرض بنده موافقت فرمایند موضوع دیگری که بنده میخواستم عرض کنم موضوع ماده ۱۱ است ماده یازده کاملاً ماده مفیدی است که برنامه فلاحتی که منتشر میشود بزراع و مالک حق داده است که اگر چنانچه آن محصول و آن کشت در آن محل عمل نمی آید و مفید نیست این را حق اعتراض داده که بشورای بخش مراجعه کند بعداً به فرماندار و اداره کل فلاحت بنده فقط در این جا خواستم استدعا کنم از آقایان وزرائی که این قانون را اجرا میکنند که برای این کار يك مدتی بایستی داده شود حالا اگر در قانون مقتضی ندانستند که این مدت گذاشته شود ولی ضرر ندارد

که در نظامنامه این مدت را منظور فرمایند که هم شورای بخش و هم فرماندار و اداره کل فلاحت در مقابل يك مقرراتی ملزم باشند تا يك مدتی جواب مردم را بدهند که بالاخره اشخاص از بلا تکلیفی خارج شوند زیرا اگر قائل بمدت و وقت نشویم نتیجه اینطور میشود که من اعتراض میکنم که این محصول برای محل من مفید نیست و در این محل عمل نمی آید این می رود بشورای بخش و تحت نظر فرماندار و این جریانات را طی میکند و تا جواب مثبت یا منفی بدهند فصل عمل و موقع آن گذشته است آنوقت من چه کار کنم بعلاوه در موقعی که من این کار را میکنم یعنی این شکایت و اعتراض را میدهم در این قانون پیش بینی نشده است که آنوقت تکلیف کار چیست چه کار من بایستی بکنم تا وقتی که رأی شوری بمن ابلاغ شود رأی اداره کل فلاحت بمن ابلاغ شود، البته من با يك دلایلی اعتراض میکنم در اینصورت آیا باید رعیتی سابق خودم را تعقیب کنم یا اینکه همینطور معطل بمانم تا این جریان طی شود و ممکن است با این وضعیت اصلاً خسارتی هم برعیت هم بمالك و در نتیجه هم بکشور بخورد و بنده خیال میکنم که اگر رسیدیم باین موضوع اینرا در نظامنامه اینطور پیش بینی نمایند که در صورتیکه شورای بخش هم اعتراض را تصدیق کرد و وارد دانست زارع و مالک حق داشته باشند برای آن سال اول همان عمل رعیتی را که داشته اند یا مفید میدانند آنرا انجام بدهند و چنانچه جریانات بعدی او را ملزم کرد این رعیتی را عوض کند برای سال بعد باشد. این قسمت را بنده استدعا داشتم از نظر اینکه کمکی بشود و تولید کشمکشی نکند و از نظر این قانون و از نظر مردم و رفع مشکلات توجهی فرمایند که انشاء الله این قانون بایک وضعیت خوب و با يك برکت و استفاده خوبی که همه مردم انتظار دارند انجام شود که هم مردم و هم کشور و هم رعیت انشاء الله استفاده نمایند (نمایندگان - صحیح است. انشاء الله) و يك کار برجسته و مفید و موثری بشود که در عصر حاضر مثل سایر امور انجام شده است (صحیح است)

رئیس - آقای معدل

معدل - کشور ما يك کشور فلاحتی است و پدران ما امر فلاحت را یکی از امور مذهبی و دینی خودشان می دانستند و اگر يك بی توجهی اخیراً پیدا شده بود در اثر این بود که توجهی از طرف اولیای امور چنانچه بایستی نمی شد. از ابتدائی که کشور ما مرحله ترقی و تکامل را شروع کرده است و دارد جلو میرود این اواخر البته يك توجهاتی نسبت باین موضوع هم شده است ولی نه چنانچه حالا شروع شده است و این قانون پایه اولیه تکمیل آنرا میگذارد. ولی بنظر بعضی ها که بنده دیدم و شنیدم اینطور می آید که این قانون در نظر زارعین خیلی سخت و گران است و در خارج مذاکره میکردند با بنده که روی این خوبست زیاد بحث و مذاکره بشود اولاً برای اینکه همه توجه دقیق باین نکته داشته باشند باید عرض کنم که روی این قانون بحث و مذاکره زیاد شده است و سه کمیسیون مجلس که تقریباً نصف اعضای مجلس را تشکیل میدهد، کمیسیون عدلیه و کمیسیون فلاحت و کمیسیون داخله با حضور سه نفر از آقایان وزراء، آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر داخله و آقای رئیس کسل فلاحت در جلسات عدیده روی این موضوع مذاکره و بحث کردیم و همانطور که همکاران محترم بنده هم تذکر دادند از حق نباید گذشت که هر چه پیشنهاد های مفید و نظر های مفید و سودمند داده شد آقایان محترم قبول فرمودند منتهی اشکال کار در این جاست که طرز فلاحت و کاو و زراعت ما در همان قدم اول عهد پدران اولیه ما باقی است و انس ما باین رشته که حالا داریم و این کاری که الان مشغول هستیم موجب این است که وحشت داشته باشیم از کار مفید تری که می خواهیم شروع کنیم. بنده که خودم هم از همین دسته هستم (یعنی از کار فلاحت و زراعت دارم امرار حیات میکنم و معاش میکنم) معتقد هستم باین امر که هرکاری را که دولت حاضر شروع می کند البته اراده توانای شاهنشاه عظیم الشان ما مقدمات و موجبات آنرا برای ما فراهم می کند (نمایندگان - صحیح

است) البته در این قانون بنظر بنده لازم نبوده است که ذکر نمایند چه خواهیم کرد و چه خواهیم کرد و چه خواهیم کرد چون ما دیده ایم که هرکاری را که قانونش را این جا میآورند و تصویب میشود مقدمات و موجباتش را هم فراهم مینمایند (صحیح است) مثلاً در این مسافرتی که ما بصفحه مازندران و آن قسمتهای لب دریا کردیم همه ما ها حقیقه بخصوص ما جنوبی ها حظ کردیم از اینکه ترقیات فلاحتی آنجا را مشاهده و تماشا میکردیم و البته میل هم داریم که همه کشور آباد بشود و همه کشور خوب و معمور بشود برای اینکه در اثر عمران و آبادی کشور و خوبی وضع زراعت کشور عوض خواهد شد (صحیح است) این قانون بنظر بنده يك شیور حاضر باشی است برای مالکین و زارعین که از آن طرز قدیمی و رویه گذشته صرف نظر نمایند و بیدار شوند و بالاخره حاضر کار شوند. البته لازم نیست يك کاری را که میخواهیم شروع کنیم و يك قانونی را که میخواهیم بگذرانیم یکمرتبه از همان اول کامل باشد اصلاً و اساساً بودن مجلس شورای ملی بطور دائم در کشور برای اینست که هر قانونی را که می آورند و هر کاری را که میخواهند شروع کنند و شروع کردند و اجرا کردند اگر در عمل برخورد بيك مشکلاتی به بیند که مشکلات چیست و نواقص امر در کجاست اصلاح آنرا بیاورند و از مجلس شورای ملی تصویب آنرا بخواهند. کار فلاحت هم همینطور است این همان هسته اولیه است تا حالا چیزی نبوده است که اصلاً اصلاحی یا عیبی یا نقصی به بینیم که بآن توجه کنیم این را امروز آورده ایم و فردا میخواهیم وارد در عمل بشویم حالا اگر احیاناً در عمل دیدیم که فلان ماده این قانون اشکال دارد یا فلان جایش بيك مشکلی برخورد آن را اصلاح می کنیم و می آوریم بمجلس شورای ملی و عوض میکنم پس بایستی حقیقه بنام طبقه مالک و رعیت تشکر کرد از این همه آبادی هائی که شده و بعد از این در این کشور خواهد شد. با اینکه ما در سایر قسمتهای دیگری که می بینیم شروع میشود با چه فوریتی انجام میشود بایستی آنها را هم تقریباً

انجام شده تصور کنیم (صحیح است) و خودمان را هم حاضر کنیم بولی اینکه بیشتر کار کنیم و شاهد مقصود را زودتر در آغوش بگیریم ولی بنظر بنده این کارهای فلاحی دو جنبه دارد یکی از این قسمتها توجهش بمالکین و زارعین است یکی هم به هیئت مدیون کشتو یا دولت. ان قسمتی که وظیفه مالک و زارع است که خودبنده اقرار و اعتراف میکنم که تا به حال خوب نچسبیده ایم و باید از این بیشتر کوشش کنیم همین هائی است که این قانون تذکر داده است و باید افراد زارع و مالک همه اینهارا در مدنظر و پیش چشم خود داشته باشند و هر کجا باشند باید رویش کار کنند و هر جایش را هم که بوظیفه خودمان عمل نکنیم آن مقامات صلاحیت داری که در این قانون پیش بینی شده است بما تذکر می دهند ولی آن قسمت هائی که کار دولت است همانطور که در ابتدای عرایض عرض کردم اگر آن موجبات فراهم نشود ما موفقیت در آن قسمتها نمی توانیم پیدا کنیم اینکی دوتایش را هم که مهم است نه اینکه بنده تصور بکنم دولت بانهاعنایت نداشته است نه بلکه از نظر قرابت موضوع و امر شروع با اقدام شده و تشکر می کنم. یکی از مواد این قانون این است که اداره کل فلاحت مکلف است به مالکین و کسانی که زودتر و بهتر این کارها را بکنند و بر سایرین سبقت بگیرند بآنها جایزه اعطاء کند این موجب می شود که هر کسی از فردا صبح مشغول کار بشود پس باید آن موجبات هم همراه این باشد که آن کسیکه میخواهد از فردا صبح پا شود و برود مشغول کار شود و جایزه را ببرد از اینها هم برخوردار شود و این موضوع برنامه فلاحی است مثلاً فرض فرمائید یک زارع در سیستان یا در فارس از فردا می خواهد شروع کند تعمیران و آبادی این تمنعاند که چه بکند چون اگر می دانست و مطلع بود نه هفتی صد بلکه صدی ده آنها تا حال می گردند ولی اینها غالباً بمالک خارجه رفته اند یک علمائی هم در این باب نداشته اند که رفته باشد و خوانده باشد و بداند و اداره فلاحت هم که باحال یک برنامه جامعی در دسترس خلق نگذاشته است که ایالت کرمان زمینش استعداد چه زراعتی

را دارد و آب در چند گزی زیر زمین تا فلان نقطه که واقع شده باشد نمیتوان باحد متوسط فلان مقدار غنای آورد بالا یا ز فلان نقطه اگر سندی بسته شود چندانکه کار زمین سیر آب میشود و فایده فلاحی میرساند و فایده اش چقدر است یا فلان گاوارا اگر از فلان مملکت بیاورند از اینطور گاو این نتیجه را می گیرند. برای این منظور بطور جامع یک کتب بزرگ و رساله های مهمی طبع و نشر نکرده اند که در دست رس خلق نگذارند و باید بعقیده بنده یک برنامه فلاحی جامعی در اول کار تهیه نمایند که اگر یک نفر فلاح در اقصی نقطه مملکت بخواهد زراعت و آبادی کند بداند که چه باید بکند و چه باید بکارد. دوم بایستی قسمت آبیاری اصلی و اساسی را که وظیفه افراد نیست آنرا مورد توجه و دقت قرار بدهند البته تقیه قنات فلان ده و وظیفه مالک است و بایستی انجام بدهد یا جدول بندی و نهر بندی فلان قنات و اصلاح و مرمت آن این البته وظیفه خود صاحبان املاک و املاک مجاور و مشترک است که باید باهم اقدام نمایند ولی سد بندی ها و آبیاری های عمده که اصلاً بعقیده بنده یک غنای خیلی مهمی دارد که یک بخش را آباد و معمور می کند این ها یک کار هائی است که خود دولت باید بکند و مخارج این امور را هم باید تعیین بکنند و باید طوری باشد که دسته اولیه و پایه کار و مبدع این امور مهمه خود دولت باشد و وظیفه آبیاری اگر از نظر کار فلاحی مورد توجه قرار گیرد باید در درجه اول و اهم از سایر امور واقع گردد (صحیح است) در این صورت چه از نظر کار و چه از نظر بهره به نظر بنده مؤثر ترین اقدامی است که در کار فلاحت چه از طرف مردم و چه از طرف دولت شده است و مملکت خشک ما بالخصوص آن پائین ها در قسمت فلاحت از همه چیز بیشتر بآب محتاج هستند. موضوع بانک فلاحی را هم این جا آقای اعتبار شرعی بیان فرمودند که بنده را بسی نیاز کردند از توضیحات بیشتر و از اینکه عرض کنم به نظر بنده این قانون تقریباً صفحه دوم اصلاح بانک فلاحی است که اگر آن نظامنامه هائی بانک فلاحی اصلاح نشود این قانون اصلاً متوقف خواهد

ماند و آن هم باید اصلاح شود و شروع بکار کنند پس روی هم رفته میتوانیم عرض کنیم که این قانون با یک حسن نیتی آمده است و با یک حسن نیتی هم تصویب می شود و در مرحله سوم هم لازم است که با یک حسن نیتی اجرا شود اگر آن اشخاصی که این قانون را به مجلس آورده اند مجری این قانون میبویند صد میباشند گفت قطعاً این قانون آنطوری که الان منظور است اجرا میغد و عمل می شد پس آقایان وزراء محترم خیلی باید دقت داشته باشند در اینکه آن مأمورین جزئی که این قانون بدست آنها سپرده می شود روح این قانون و این کار را بفهمند و اساساً بدانند که برای چه این قانون را آورده اند که آن منظور را بموقع اجرا بگذارند نه اینکه این کلمات و جملات را بخواهند اجرا کنند پس اگر این قانون خوب اجرا شود خوب قانونی است والا اگر خدای نخواسته یک مأموری ندانسته بخواهد سوء نیتی به خرج بدهد اگر چه برای او هم مجازاتی در این قانون پیش بینی شده است ولی این چه اثری دارد مجازات یک مأموری بعد از خرابی یک بخشی چه نتیجه دارد. پس اگر خوب اجرا شود به نظر بنده نه تنها اولین قدم است برای اصلاح کار فلاحت کشور بلکه مهمترین قدمی است که برداشته شده است. (عده از نمایندگان - صحیح است - مذاکرات کافی است)

مصدق جهانشاهی - اجازه فرمائید بنده یک سئوالی از آقای وزیر عدلیه داشتم راجع به این قانون
رئیس - نوبت سرکار هنوز نرسیده است... (عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی میکنیم به کفایت مذاکرات آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. آقای وزیر عدلیه

وزیر عدلیه - از آقایان نمایندگان محترم که چه در موقع شور اول و چه در کلیات آن و چه در این شور و در ضمن کلیات آن این قانون از دولت تقدیر فرمودید بنده بنام خودم و بنام همکارانم تشکر می کنم و

دیگر اینکه برای بنده با آن مذاکرات و توضیحاتی که آقایان نمایندگان محترم در ضمن شور کلیات فرمودند و منعکس شد توضیحی باقی نمانده در حقیقت در نتیجه مذاکرات خیلی مفصل و طولانی که در این کمیسیون های سه گانه آن هم در دو شور با یک علاقه مندی زیاد و مخصوصی شد برای اینکه همه جور وسائل رفاه و آسایش مالکین را در در ضمن این قانون فراهم بکنیم خود آقایان تصدیق میفرمایند که این قانون قانونی است که به بهترین و کاملترین شکلی تنظیم شده است و البته با بهترین نیت تمام اجرا خواهد شد (نمایندگان - صحیح است) فقط این جا چون بعضی از آقایان در این جلسه تذکراتی در چند نکتته دادند لازم است مختصراً جواب عرض کنم آقای اعتبار ابتدا در قیمت بانک فلاحی فرمودند البته این قیمت مورد توجه دولت بود است چون اگر مورد توجه بود چطور در مقدمه لایحه مان این را تصریح میکردیم و هیچ منتظر هم نشدیم این لایحه از مجلس شورای ملی بگذرد و قبیل از این که این لایحه از مجلس بگذرد و تصویب بشود حتی در موقعی که در کمیسیون های مجلس مطرح بود ما در کمیسیونهای که برآمد روی و مطالبه در ایستادگی بانک فلاحی لازم بود باینکار شروع کردیم و مختصراً می توانم بآقایان اطمینان بدهم که با یک وسعت نظری غیر از این طرزى که تا به حال معمول بوده است اصلاً نشینیم و اسسنامه را عوض کردیم که مساعدتهای ملی نسبت بمالکین بر تریبی که از آن بیرون تر فرض نمیشود بتواند نمود و این نظر تأمین شده است و آن مقصودیکه آقای اعتبار از این نگرانی داشتند برداشته میشود و یک طوری میشود که هم اعتبارات بانک فلاحی و سرمایه آن محفوظ بماند و هم مردم و مالکین موفق بشوند باینکه بدون هیچ زحمت و بدون هیچ ممانعتی قرض بگیرند و آن ترتیبی که سابق بود یک همچو قانونی در جلوسه نبود یک بانکی بود و معامله می کرد ولی حالا البته بی بودن یک چنین قانونی بانک فلاحی ناچار باید سیستم خود را طرز کار خود را عوض بکند و هم بطور هم خواهد شد

اما قسمتی را که آقای اعتبار راجع بماده یازدهم فرمودند این موضوع در کمیسیون هم مذاکره شد و ما هم آن اندازه که لازم بود در قانون تصریح کنیم در ماده یازدهم تصریح کردیم حالا سایر جزئیات و نکات این برنامه چه خواهد بود و در چه مدت این برنامه بایستی تنظیم و اعلام بشود اینها يك خصوصیات و جزئیاتی است که لازم نبود در قانون تصریح بشود و البته با آن منظوری که دولت دارد و آن اصلاح فلاح است و می خواهد در امر فلاحت يك قدمهای خیلی سریع و مهمی برداشته شود مسلماً برنامه خود را هم طوری تنظیم خواهد کرد که بموقع عملی شود و بموقع هم اگر اشخاص اعتراضی داشته باشند بکنند و غیر از این البته فرضی نخواهد داشت. اما در قسمت مذاکراتی که آقای معدل فرمودند با اینکه خودشان تصدیق کردند که این قانون به بهترین شکلی نوشته شده است یعنی آنچه نکات مفیده که بنظر آقایان رسید در کمیسیون قبول و تأمین شد گمان نمیرود دیگر جای نگرانی باقی باشد (صحیح است) و در قسمت اجرای این قانون هم می توانم اطمینان بدهم که هیچ نگرانی نباید باشد و با همان نیتی که این قانون تنظیم شده است و با همان نیتی که این اصلاحات در این مملکت شده است با همان نیت هم این قانون اجرا خواهد شد (نمایندگان - صحیح است) و گمان میکنم دیگر تضمینی بهتر و بیشتر از این نمیشود که ما خودمان در ضمن این قانون مجازات برای مأمورینی که اغراض خصوصی بخرج بدهند یا خلاف حقیقت نظری بدهند پیش بینی کرده ایم و بعلاوه آنها را مسئول جریان کلیه خسارات وارده قرار داده ایم و در ماده دهم این مجازات قید شده و شدید هم هست و این برای تأمین همین منظور بوده است که اگر مأمورین در ضمن اجرای این قانون بخواهند اعمال غرض و اعمال نظری نمایند حتماً جلو گیری بشود و شدیداً هم جلو گیری خواهد شد (صحیح است) و اما اینکه تذکر دادند که بعضی کارهای مهم مربوط بدولت است البته ما وقتی درست نگاه کنیم و مقایسه کنیم این معنی کاملاً از ش بر می آید ما این جا عمر آنرا تقسیم کرده ایم بدو قسمت خلاصه اش این است

توجه بدائر کردن این قنوات است بطور خلاصه و می توان گفت این قانون يك قانون جامعی است و امیدواریم که بزودی نتایج خوبش در تمام کشور ظاهر بشود (صحیح است - انشاء الله)
رئیس - آقایانی که با کلیه این لایحه موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتیہ روز يك شنبه هفتم آذرماه دو ساعت بعد از ظهر دستور لوایح موجوده (مجلس ۶ ساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازة فروش قسمتی از جواهرات سلطنتی

- ماده اول -** مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد آن قسمت از جواهرات سلطنتی را که طبق ماده (۲) این قانون بلا استفاده تشخیص داده شود ببانک ملی انتقال داده و بانک آنرا جزء سرمایه خود منظور دارد.
- ماده دوم -** تفکیک جواهرات از نقطه نظر اهمیت تاریخی توسط کمیونی بعمل خواهد آمد. کمیسیون مزبور در تحت ریاست رئیس دولت و عضویت دو نفر از وزراء و دو نفر از نمایندگان که برای این منظور از طرف مجلس شورای ملی انتخاب میگردند تشکیل خواهد شد.
- ماده سوم -** هر موقع که بانک ملی فروش هر قسمت از جواهرات را مناسب و مقتضی بداند باید قبلاً جواهرات مزبور تحت نظر کمیونی مرکب از پنج نفر که سه نفر آن از طرف دولت و دو نفر از طرف مجلس شورای ملی انتخاب میگردند ارزیابی شده و ترتیب فروش آن داده شود. بهای حاصل از فروش منحصرأ بمصرف خرید شمش طلا خواهد رسید. این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه بیست و پنجم آبان ماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض

فصل اول - ارث

- ماده ۱ -** هرگاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت حقیقی یا فوت فرضی اموالی ارثاً بکسی برسد طبق مقررات ذیل مالیات گرفته خواهد شد:
- ماده ۲ -** اموال مشمول مالیات ارث عبارت است از کلیه ماترك متوفی اعم از منقول یا غیر منقول و مطالبات وصولی پس از وضع بدهی های محققه متوفی و هزینه هائی که در حدود عرف و عادت برای کفن و دفن متوفی و نظایر آن لازم است:
- تبصره ۱ -** مقصود از بدهی های محققه بدهی هائی است که طبق مدارك قانونی قابل پرداخت باشد
- تبصره ۲ -** اگر متوفی تاجر باشد در صورتی میتواند بدهی های او را از ماترك کسر کنند که بدهی های مزبور در دفاتر تجارتي متوفی ثبت شده باشد.
- تبصره ۳ -** بدهی که متوفی به وراث خود دارد ولو آنکه مستند بمدارك قانونی هم باشد برای تعیین مالیات از ماترك کسر نخواهد شد. باستثنای نفقه ایام معدوده و مهریه زوجه در صورتیکه پرداخته نشد، باشد
- ماده ۳ -** مکلفین پرداخت مالیات نام برده در ماده اول وراث متوفی هستند
- وراث از نظر این قانون سه طبقه تقسیم میشوند.
- ۱ - وراث طبقه اول
 - ۲ - « « دوم
 - ۳ - « « سوم و بالاتر

ماده ۴ - وراث طبقه اول عبارتند از پدر و مادر و فرزندان بنواده و شوهر و زن . وراث طبقه دوم عبارتند از اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها . وراث طبقه سوم عبارتند از عمه و دایی و خاله و اولاد آنها و بالا تر

ماده ۵ - اشخاصیکه خود را نوبت متوفی امینانه باید در ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از فوت مورث خود اظهار نامه که حاوی صورت کلیه دارائی متوفی و مطالبات و بدهی های او باشد بامدارك لازم برای اثبات آنها بداره مالیه صلاحیت دار تسلیم نماید و ضمانت تخمین ماترك را در آن بنویسد

تبصره ۵ - قیمت اثاثیه خانه مسكونی متوفی اعم از اینکه خانه ملكی یا اجاری باشد مقطوعاً از قرار ۱۵ درصد قیمت خانه تعیین خواهد شد .

ماده ۶ - اداره مالیه اظهار نامه را از نظر تعیین صحت اقلام دارائی و یا مطالبات و یا بدهی ها و یا ارزش اموال مورد رسیدگی قرار داده و هر که تمام یا قسمتی از آنرا صحیح نداند نظر خود را با ذکر دلایل کتبا بمؤدی ابلاغ و اخطار می نماید . گمراهی خواهی دارد در ظرف يك ماه از تاریخ ابلاغ و اخوای خود را بآن کراهه مستقیماً یا بوسیله پست سفارشی و یا تلگراف یا لوله مالیه تسلیم نماید و در صورت تسلیم صحیح مؤدی بتمشخص مالیه بپردازد و اخوای هر ظرف مدت مقرر نظر مالیه قطعی شده و طبق آن مالیات قانونی وصول خواهد شد مگر آنکه معلوم شود در محاسبه اشتباه شده است

ماده ۷ - چنانچه مؤدی به تشخیص مالیه تسلیم نشود و در ظرف مدت مقرر و اخوای دهد و پس از دادن و اخوای موافقتی بین مؤدی و مالیه حاصل نگردد و اخوای بکمیسیون تشخیص مالیات بر درآمد ارجاع خواهد شد کمیسیون پس از تحقیقات لازم رسیدگی کرده رأی خواهد داد .

رأی کمیسیون پس از ابلاغ بطرفین قطعی و لازم الاجراست مگر در مواردی که ما به الاختلاف بین مالیات تشخیص شده از طرف کمیسیون و مبلغی که مورد تصدیق مؤدی بمطالبه مالیه است بیش از پنج هزار ریال باشد که در این صورت طرفین میتوانند در ظرف يك ماه از تاریخ ابلاغ رأی کمیسیون بمحکمه تجدید نظر دیوان محاکمات مالیه مراجعه نمایند .

هرگاه مراجعه بمحاکمات مزبور از طرف مؤدی بعمل آید مقام مالیه بتایید قبلاً وجه طلبه الاختلاف را در صندوق مالیه بسپرد و یا ضامن معتبر بدهد .

ماده ۸ - اگر وراث در ظرف مدت مقرر در ماده ۵ از دادن اظهار نامه خودداری نمایند مالیات رأساً از طرف مالیه طبق تحقیقاتی که بعمل خواهد آمد تعیین و بمؤدی ابلاغ میشود .

اگر مؤدی در ظرف يك ماه از تاریخ ابلاغ به تشخیص مالیه و اخوای نداد مالیات تشخیص شده قطعی و وصول خواهد شد .

در صورت دادن و اخوای طبق ماده (۷) عمل میشود .

ماده ۹ - مالیات نسبت بسهم الارث هر يك از وراث گرفته خواهد شد . اگر سهم الارث هر يك از وراث ۲۵ هزار ریال یا کمتر باشد از پرداخت مالیات معاف و در صورت تجاوز از این مبلغ طبق نرخ های ذیل مالیات اخذ خواهد شد :

الف - طبقه اول - از ۲۵ هزار و يك ریال تا ۷۵۰۰۰ ریال يك درصد نسبت بمازاد بیست و پنج هزار ریال

از ۷۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال چو درصد نسبت بمازاد هفتاد و پنج هزار ریال

از ۱۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال سی درصد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال چهار درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلا پنج درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال

ب - طبقه دوم - از ۲۵ هزار و يك ریال تا ۷۵۰۰۰ ریال دو درصد نسبت به مازاد بیست و پنج هزار ریال .

از ۷۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال چهار درصد نسبت بمازاد هفتاد و پنج هزار ریال

از ۱۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال شش درصد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال هشت درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلا ده درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال

ج - طبقه سوم و بالا تر - از ۲۵ هزار و يك ریال تا ۷۵۰۰۰ ریال سه درصد نسبت بمازاد بیست و پنج هزار ریال .

از ۷۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال شش درصد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۱۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال نه درصد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال دوازده درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلا پانزده درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال

د - از ۷۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال شش درصد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

ماده ۱۰ - اداره مالیه صلاحیت دار برای اخذ مالیات ارث مالیه ای است که اقامتگاه قانونی متوفی در حوزه آن باشد و اگر متوفی در ایران مقیم نباشد اداره مالیه صلاحیت دار مالیه ای است که قسمت اعظم دارائی غیر منقول متوفی در حوزه آن واقع شده اگر متوفی در ایران مقیم نبوده و اموال غیر منقول در ایران نداشته باشد مالیات در طهران پرداخت خواهد شد .

ماده ۱۱ - هر کس که در ایران اقامت گاه قانونی دارد و ارثی باو برسد اعم از اینکه ماترك در داخله یا خارجه باشد و هر کس که از ماتركی که در ایران است ارث ببرد اعم از اینکه ساکن ایران یا ساکن خارجه باشد مطابق این قانون مالیات بده است

ماده ۱۲ - کلیه مأمورین دولتی و شهرداری که امور مربوط باموات را عهده دار هستند در ظرف يك هفته پس از فوت و وراث قانونی در ظرف پانزده روز موظف اند هویت کامل متوفی را بمالیه محل وقوع فوت اطلاع دهند .

ماده ۱۳ - ادارات ثبت اسناد و املاك موقعیکه مال غیر منقولی را از اسم مورث باسم وارث ثبت نمایند و همچنین کلیه دفاتر اسناد رسمی در موقعیکه میخواهند تقسیم نامه راجع بماترك را ثبت کنند باید مطالبه گواهی نامه اداره مالیه صلاحیت دار را راجع باینکه وارث اظهار نامه داده است و در اظهار نامه مال مورد تقاضای ثبت یامذکور در تقسیم نامه را ذکر کرده نمایند و قبل از ارائه این گواهی مجاز به ثبت نیستند .

تبصره ۵ - اداره مالیه مکلف است در ظرف ده روز پس از تسلیم اظهار نامه از طرف مؤدی گواهی نامه متضمن رونوشت مصدق صورت ریز ماتركی را که در اظهار نامه نوشته شده بمؤدی بدهد .

ماده ۱۴ - کلیه بانك ها و مؤسسات و اشخاص دیگر که مالی از متوفی در نزد خود دارند در صورتی می توانند مال مزبور را بوراث بدهند و هم چنین کلیه شرکتهای و مؤسسات موقع ثبت اوراق بهادار اسمی از هر قبیل که باشد از اسم

فصل سوم - مقررات عمومی

ماده ۲۱ - مالیات باید در مورد ارث در ظرف ۶ ماه پس از تاریخ تسلیم اظهار نامه و در مورد فصل دوم این قانون در موقع تسلیم اظهارنامه پرداخت شود مگر در مواردی که مؤدی عذر موجه داشته و با اقامه ادله کافیه و در موارد لزوم ارائه اسناد عذر خود را ثابت نماید در این صورت وزارت مالیه میتواند مدت پرداخت مالیات را تمدید کند.

ماده ۲۲ - وزارت مالیه مجاز است برای تشخیص و بازرسی و وصول مالیات در حدود این قانون نظامنامهائی وضع نماید.

ماده ۲۳ - متخلفین از مقررات این قانون ملزم به پرداخت جرائمی خواهند بود که حد اکثر آن هزار ریال یا دو برابر مالیات پرداخت نشده خواهد بود.

نظامنامه جرائم به تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید

ماده ۲۴ - هرگاه اشخاصی که طبق این قانون مکلف بدادن اظهار نامه یا مالیات هستند صغیر یا محجور باشند ولی یا قیم قانونی آن ها و اگر شخص حقوقی باشد مدیر یا مدیران مؤسسه مسئول هستند

ماده ۲۵ - در مواردی که مشمولین این قانون در تأدیه مالیات خود و یا مالیاتی که مسئولیت پرداخت آن طبق این قانون به عهده آنها است تأخیر نمایند نسبت بهر ماه تأخیر ملزم به پرداخت خسارتی معادل یک درصد مالیات متعلقه خواهند بود.

ماده ۲۶ - اعضاء و مستخدمین وزارت مالیه و اعضاء کمیسیونهای تشخیص و هم چنین سایر اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند مکلفند اطلاعاتی را که از دارائی اشخاص در نتیجه مأموریت تحصیل کرده اند بکلی محرمانه نگاه دارند مگر در مواردی که وظیفه شغلی آنها دادن اطلاعات نام برده را ایجاب نماید

متخلف مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد.

ماده ۲۷ - این قانون بلا فاصله پس از تصویب اجراء خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر بیست و هفت ماده است در جلسه بیست و پنجم آبان یک هزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون عمران

ماده ۱ - مالکین اراضی فلاحتی مکلف به عمران آن هستند و این تکلیف نسبت باملاك وقف بعهده متولی با قائم مقام او و در املاك ثلث بعهده وصی و در املاك محجورین بعهده ولی آنهاست.

مقصود از عمران مذکور در این ماده حاصل شدن حد اکثر استفاده فلاحتی است بوسیله احداث و احیاء و تعمیر قنوات - دائر کردن اراضی بایر - دائر نگاهداشتن آنها بطریق اصول فنی فلاحتی و بهداشتی - احداث و اصلاح خانه های رعیتی با رعایت اصول بهداشتی - تأسیس راههای فرعی بین دهات - ایجاد پست های بهداشتی - خشك کردن اراضی باتلاقی بوسیله زه کشی وغیره.

تبصره - عمران خانه های رعیتی که عرصه آن متعلق بمالك است بعهده صاحب اعیانی میباشد:

ماده ۲ - مصارف لازمه عمران که متضمن نفع عمومی دهستان است بوسیله تعاون بین مالکین دهات واقع در هر دهستان تأمین می شود ترتیب اجراء تعاون بقرار زیر است:

مورث باسم وارث در صورتی مجاز باین امر هستند که گواهی نامه اداره مالیه صلاحیت دار راجع باینکه وارث اظهار نامه داده و در اظهار نامه مال مورد بحث را ذکر کرده ارائه شود در صورت تخلف علاوه بر جرایم مقرر متضامنا با خود وارث مسئول مالیات متعلقه می باشند.

ماده ۱۵ - کلیه محاکم عدلیه که قانوناً بتقاضای انحصار وراثت رسیدگی می نمایند در صورتی مبادرت به تسلیم گواهی نامه انحصار وراثت خواهند کرد که گواهی نامه مذکوره در ماده ۱۳ از طرف وراثت یا یکی از آنها به محکمه تقدیم شود رونوشت گواهی نامه یا حکمی که راجع بانحصار وراثت صادر میشود از طرف دفتر محکمه بداره مالیه عمل فرستاده خواهد شد.

تبصره - در مواردیکه طبق کتاب پنجم جلد دوم قانون مدنی حکم فوت فرضی صادر می شود نیز دفتر محکمه باید رونوشت حکم را بداره مالیه عمل بفرستد

فصل دوم - در نقل و انتقالات بلاعوض

ماده ۱۶ - اگر مالی اعم از منقول یا غیر منقول بلاعوض بشخصی داده شود بدون رعایت حداقل معافیت طبق نرخ بندج از ماده (۹) این قانون مالیات تعلق میگیرد. دهنده و گیرنده متضامناً مسئول پرداخت مالیات متعلقه هستند

جهیزیه و وجوه و اموالیکه برای امور خیریه و یا عام المنفعه از قبیل بیمارستان و کود کستان و پرورشگاه یتیمان و نظایر آن داده می شود از پرداخت مالیات معاف خواهد بود.

تبصره - صلح محاباتی با شرط خیار فسخ برای مصالح از نظر این قانون در حکم صلح قطعی است

ماده ۱۷ - هر مالی که مورد وقف یا نذر یا حبس یا وصیت واقع شود مشمول مالیات است باستثنای مواردی که برای امور عام المنفعه نام برده در ماده قبل باشد. نرخ مالیات در این قبیل موارد طبق نرخ بندج ماده ۹ این قانون خواهد بود.

تبصره - مال مورد وصیت در موقعی مشمول مالیات خواهد بود که با فوت موصی وصیت قطعی شده باشد.

ماده ۱۸ - در مورد صلح طرفین معامله متضامناً و در مورد وقف واقف و در مورد وصیت وصی و در مورد حبس و نذر حبس و نذر کلنده مسئول پرداخت مالیات هستند

در مورد صلح و وقف و حبس و نذر در ظرف دو ماه از تاریخ وقوع و در مورد وصیت در ظرف دو ماه پس از اطلاع از فوت موصی مکلفین باید اظهار نامه که حاوی کلیه اطلاعات لازمه برای وصول مالیات باشد به اداره مالیه تسلیم نمایند.

اگر در ظرف مدت مقرر اظهارنامه داده نشود مالیات رأساً از طرف مالیه طبق تحقیقاتی که بعمل خواهد آمد تعیین و بمؤدی ابلاغ میشود.

اگر مودی در ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ به تشخیص مالیه و اخواهی نداد مالیات تشخیص شده قطعی و وصول خواهد شد. در صورت دادن و اخواهی طبق ماده ۷ عمل میشود.

تبصره - اگر واقف بوظیفه خود عمل ننماید متولی در ظرف دو ماه پس از اطلاع مسئول پرداخت مالیات مقرر و انجام تکالیفی که بعهده واقف عول است میباشد.

ماده ۱۹ - مقررات مواد ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ در مورد مکلفین ماده ۱۸ نیز قابل اجرا است

ماده ۲۰ - شاهنشاه و ملکه و اعقاب بلافضل شاهنشاه از پرداخت مالیات های نام برده در این قانون معافند

شورای بخش بفرآخور حوائج و استعداد ترقی و آبادی هر دهستان واقع در حوزه خود برنامه راه سازی و بهداری و دایر و آباد کردن انهار و قنوة مشترك آن دهستان را تنظیم کرده مدت اجرای برنامه و مصارف آن و سهم هر يك از مالکین آن دهستان را در هزینه و ترتیب اجرای آن معین خواهد کرد.

برنامه نام برده پس از موافقت فرماندار شهرستان بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

اشخاص ذی نفع هر گاه بتصمیمات شورای بخش اعتراض داشته باشند میتوانند اعتراضات خود را موجهاً بخود شورای بخش بدهند. شورای بخش با اعتراضات رسیدگی کرده رأی میدهد در صورتیکه معترض از رأی شورا رضایت نداشته باشد بفرماندار شهرستان مراجعه میکند فرماندار مکلف است اعتراض را در شورای اداری شهرستانی طرح نماید شورای اداری میتواند لدی الاقتضاء جلب نظر اهل خبره را بنماید رأی شورای شهرستانی قطعی است.

ماده ۳- هر گاه علت خرابی ملک عدم قدرت مالی مالک باشد پس از تحقیق از وضعیت ملک و مالک و احراز لزوم هزینه و مقدار آن وسائل عمران از راه استقراض یا نحو دیگر به ترتیب مذکور در نظامنامه ای که بتصویب هیئت وزراء میرسد فراهم خواهد شد.

ماده ۴- در صورتیکه علت خرابی با داشتن قدرت مالی عدم موفقیت مالک در تهیه وسایل عمران بواسطه بی اطلاعی یا ضعف قوا باشد و یا با وجود بودن وسیله عمران خرابی ملک یا قنات بر اثر مساعه و بی قیدی مالک یا یکی از شرکا ملک یا قنات باشد و اقداماتی که برای وادار کردن مالک بعمران ملک یا قنات بعمل آمده مؤثر نشود ملک یا قنات بواسطه شرکها و مؤسسه بهره برداری فلاحتی که مطابق ماده ۲۱ قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمان داران و بخش داران مصوب ۲۰ آبان ۱۳۱۶ تشکیل میشود بحساب مالک یا بعنوان اجاره برای مدتی که شورای بخش معین میکند اداره و عمران خواهد شد.

ماده ۵- در موارد مذکور در ماده ۴ شورای بخش گزارشی مشتمل بر امور زیر در دو نسخه تهیه و تسلیم بخش دار مینماید:

الف - وضعیت ملک یا قنات و جهات خرابی آن و مشخصات مالک و متصدی.

ب - چه اقدامی برای عمران ملک یا قنات لازم است و هزینه آن بطور تحقیق و ترتیب استهلاك آن بارعایت اعاشه مالک چیست.

ج - عملی که مطابق ماده چهار برای اجبار مالک بعمران متناسب است.

بخش دار يك نسخه از آن گزارش را بمالک یا مالکین ملک یا قناتی که مورد نظر شورای بخش بوده است یا کسی که قائم مقام مالک است از قبیل وصی یا متولی یا ولی بفریب ابلاغ میکند. مالک یا قائم مقام او مکلف است در ظرف ده روز با رعایت مسافت قانونی هر نظر و دفاعی در مقابل گزارش شورای بخش دارد بکتباً به بخش دار بدهد.

بخش دار نسخه دیگر گزارش شورای بخش و جواب مالک یا قائم مقام او را نزد فرماندار شهرستانی فرستد - فرمان دار گزارش شوری و جواب آن را رسیدگی کرده در صورتی که لازم بداند توضیحات مقتضی بخواهد مینماید و رأی خود را میدهد.

در صورتیکه مالک یا مالکین یا قائم مقام آنان تسلیم رأی فرماندار نباشند میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ آن بارعایت مسافت قانونی بفرماندار اعتراض کنند - این اعتراض در مجلس تجدیدنظر مطرح میگردد فرماندار شهرستانی و

رئیس عدلیه و نماینده اداره کل فلاح و در غیاب او رئیس مالیه رسیدگی میشود - فرماندار میتواند لدی الاقتضاء جلب نظر اهل خبره را بنماید رأی این مجلس قطعی است و بموقع اجرا گذاشته میشود.

ماده ۶- در صورتی که مالک یا مالکین یا قائم مقام آنان در ظرف ده روز پس از ابلاغ نسخه ثانی گزارش شورای بخش بارعایت مسافت قانونی سکوت اختیار کنند نسخه ثانی گزارش شوری نزد فرماندار شهرستان فرستاده میشود و فرماندار فقط باستناد گزارش نام برده رأی میدهد - همینطور هر گاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی فرماندار از طرف مالک یا مالکین یا قائم مقام آنان اعتراضی بفرماندار نرسد رأی فرماندار قطعی و قابل اجرا است.

ماده ۷- هر گاه قبل از اجرای رأی فرماندار یا رأی مجلس تجدیدنظر مالک یا مالکین یا قائم مقام آنان تعمیرات ملک یا قنات را موافق مدلول رأی انجام دهند اجرائیات فرمانداری موقوف می ماند.

ماده ۸- ترتیب اجرای رأی فرماندار یا مجلس تجدیدنظر مطابق نظامنامه وزارت داخله خواهد بود.

ماده ۹- اداره کل فلاح مکلف است بمالکین و زارعینی که از حیث ترقی محصول و عمران اراضی بر سایرین سبقت جسته باشند مطابق نظامنامه مخصوص جائزه اعطاء نماید.

ماده ۱۰- هر گاه مأمورین دولتی و شهرداری و اعضای شورا های بخش و شورا های اداری شهرستان در موارد اعمال و اجرای مقررات این قانون بر خلاف حقیقت یا باغراض خصوصی نظری کتباً اظهار نمایند و بنظر آنها اثری مترتب شود بحسب تأدیبی از ششماه تا دو سال محکوم خواهند شد بعلاوه مرتکب مسئول جبران کلیه خسارات وارده باشخاص ذینفع خواهد بود و در صورت تعدد مرتکبین کلیه آنها مشترکاً مسئول جبران خسارت مینباشند.

ماده ۱۱- هر گاه در موقع اجرای برنامه فلاحتی که از طرف اداره کل فلاح برای اکشور تنظیم و اعلان میشود در دهستانها اشخاص ذینفع از نظر آب و هوا و استعداد زمین به کشت نوع معینی از محصولات اعتراض داشته باشند بشورای بخش موجهاً شکایت میکنند - شورای بخش گزارش خود را با اظهار نظر نسبت بشکایت مزبور بفرماندار تسلیم مینماید و فرمان دار با جلب نظر شورای شهرستان و اداره کل فلاح رأی مقتضی صادر مینماید.

این قانون که مشتمل بر یازده ماده است در جلسه بیست و پنجم آبان یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری